

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۹۸

جمعه ۲۱ دی ۱۳۹۷، ۱۱ ژانویه ۲۰۱۹

حزب کمونیست کارگری: کابوس حکومت، امید مردم

حمید تقوایی

اظهارات رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در مورد وابستگی اسماعیل بخشی به حزب کمونیست کارگری به یک موضوع داغ مدیای اجتماعی در ایران و یک خبر مهم رسانه های فارسی زبان در خارج تبدیل شده است. حکومت خود را ناگزیر میبیند به فشار امواج وسیع اعتراضی علیه شکنجه، که با نامه سرگشاده بخشی آغاز شد، با منسوب کردن او به حزب کمونیست کارگری پاسخ بدهد. بخیال خود میخواهند با پرونده سازی کمونیستی برای بخشی دستگیری و شکنجه او را توجیه کنند. اما با این عمل، بخشی و حزب را مطرح تر و محبوب تر میکنند. تلاش حکومت به عکس خود تبدیل میشود و این در شرایط سیاسی انفجاری حاضر کاملا طبیعی است. حکومتی که به سراشیب سقوط افتاده باشد با هر دست و پازدنی ضعیف تر و درمانده تر میشود.

اما مطرح کردن نام حزب در تقابل میان بخشی و کل جامعه با شکنجه گران حاکم صرفا یک تمهید احمقانه امنیتی- پلیسی از جانب مقامات حکومتی نیست. حکومت تا کنون صدها فعال کارگری را بازداشت کرده و علیه آنها تحت عنوان "اختلال در نظم عمومی" و "بخطر انداختن امنیت ملی" پرونده سازی کرده است، بدون آنکه خود را ناگزیر ببیند نامی از حزب ما و کلا سازمانهای انقلابی کمونیست بمیان آورد. در "شرایط عادی" معمولا سیاست تبلیغاتی-امنیتی حکومت مسکوت گذاشتن نام سازمانهای کمونیستی، و یا حداکثر اشاره مبهمی به "گروهک های ضد" صفحه ۲

چند اطلاعاتیه از حزب

صفحات ۸ تا ۱۰

و اطلاعاتیه هایی از کمپین برای آزادی کارگران زندانی، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، نهاد اکس مسلم، نهاد کودکان مقدمند

صفحات ۱۱ تا ۱۵

بیانیه حزب کمونیست کارگری:

در دفاع از اسماعیل بخشی

و برای سرنگونی حکومت زندان و شکنجه



گزارشی از گفتگوی اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری ایران با رادیو فردا و دویچه وله در مورد اظهارات حشمت الله

فلاحت پیشه رئیس کمیسیون امنیت مجلس

صفحه ۳

اسماعیل بخشی مجرم است و سربازان امام زمان "مظلوم"!

کاظم نیکخواه

صفحه ۴

این دیگر آخر خط است!

پاسخی به حسین شریعتمداری و مطلب کاسه ای زیر نیم کاسه است!

مینا احدی

صفحه ۴

صادق لاریجانی و شکنجه اسماعیل بخشی!

گفتگو با محسن ابراهیمی

صفحه ۵

اعلام کارزار "من هم شکنجه شدم"

کیفرخواستی علیه چهل سال شکنجه و زندان

صفحه ۷

به وزارت امور خارجه سوئد

درمورد شکنجه یکی از رهبران کارگری در ایران

حسن صالحی - هرمزرها

صفحه ۳

نامه سرگشاده مینا احدی به آلیس شوارتزر سردبیر مجله Emma

در مورد مرگ زهرا نوید پور، قربانی افشاگری تجاوز و MeToo

صفحه ۶

در ایران!

مینا احدی: بگذار سخن بگویم! از عمیق ترین دردها برجسم و روحم!

صفحه ۱۴

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

حزب کمونیست کارگری: کابوس حکومت، امید مردم

حمید تقوایی



کافی است تا هر مخالف حکومت را بی آبرو و بی اعتبار کند. اما بدبختی حکومت آنست که برای اکثریت عظیم مردم موضوع برعکس است. سابقه و فعالیتها و سیاستهای حزب ما کمونیسم را تا حد زیادی محبوب و معتبر کرده است. کمونیسم کارگری در ایران با چهره بخشیدن به فعالین جنبش کارگری و حمایت فعال از مبارزات کارگران، با جنبش شورائی و حکومت شورائی، با بلند کردن پرچم کارگران ایران در کنفرانسهای سالانه آی ال او، با مبارزه پیگیر علیه اعدام و سنگسار، با نجات سکینه محمدی آشتیانی ها و کبری رحمانپور ها، با مبارزه علیه آپارتاید جنسی و با دختران خیابان انقلاب، با مبارزه علیه مذهب و علیه جنبش فوق ارتجاعی اسلام سیاسی در سطح جهان، با کنفرانس برلین و مقابله با همه جناحها و دار و دسته های حکومتی، با مبارزه پیگیر و قاطع و ریشه ای برای سرنوشت جمهوری اسلامی و بالاخره با مبارزات بازنشستگان و معلمان و رانندگان و اعتصابات پر شکوه فولاد و هفت تپه شناخته و تداعی میشود. این حزب "کارگری کمونیستی"، حزب

توجیه سیاسی تبلیغی بازداشتهای فعالین کارگری و توجیه پرونده سازی و زندان و حتی احکام شلاق علیه کارگران حس نمیکرد. اما اعتصاب هفت تپه همه چیز را عوض کرد. این يك اتفاق حاشیه ای در چهارچوب مبارزات معمول و رایج کارگری نبود. اعتصابی بود در دل يك خیزش عمومی علیه حکومت که خشم و اعتراض توده مردم را نمایندگی میکرد و بهمین دلیل در يك مقیاس وسیع اجتماعی توجه مردم به ستوه آمده و بیباخته را بخود جلب کرد و با حمایت وسیع کارگران و کل جامعه مواجه شد.

در چنین شرایطی است که ابلهان حاکم تصور میکنند با منسوب کردن چهره های محبوب جنبش کارگری به کمونیسم و حزب کمونیست کارگری آنها را از چشم مردم میاندازند. برای کسی مثل حشمت الله فلاحت پیشه و هم ریشهایش، صفت کمونیسم

اوج اعتصاب هفت تپه روزنامه رسالت نوشت این اعتصاب خصلتی "کارگری کمونیستی" دارد و اعلام کردند "کمونیسم جدیدی" فعال شده که به همه مسائل کار دارد. اظهارات مسئول کمیته کذائی امنیت ملی مجلس ادامه این روند است. بخشی را به حزب کمونیست کارگری منسوب میکنند تا نه از نظر پلیسی-امنیتی، بلکه بخيال خود، از نظر سیاسی- اجتماعی و در دادگاه افکار عمومی، خود را حق بجانب جلوه بدهند. از نظر پلیسی رژیم نیاز چندان به "اتهام" عضویت بخشی در حزب ما ندارد. همان پرونده سازی همیشگی "اخلال در نظم عمومی" میتواند کافی باشد. اما از نظر سیاسی- اجتماعی- تبلیغی مساله کاملا فرق میکند. تا زمانی که اعتصابات کارگری به يك رخداد اجتماعی تبدیل نشده بود و انتظار عمومی را به خود جلب نکرده بود رژیم نیازی به

انقلابی" بوده است. اما امروز شرایط سیاسی در ایران عادی نیست. جامعه در اعتراض و اعتصاب می جوشد و در دل طوفانی که آغاز شده هر روز چهره حزب کمونیست کارگری و فعالیتها و سیاستها و نقش و تاثیرات این حزب عریان تر و غیر قابل انکار تر میشود. فیلمی در اتاق است که دیگر نمیشود نادیده اش گرفت. از دیماه سال گذشته که این طوفان آغاز شد به شیوه همیشگی ابتدا بدنبال دسیسه های آمریکا و توطئه های شیطان بزرگ گشتند، جناح مقابل را سرزنش کردند، همه چیز را بگردن تحریم های اقتصادی انداختند و وقتی از یکسوا این ترندهای نخ نما شده موثر نیفتاد و از سوی دیگر جنبش کارگری بیش از پیش سربلند کرد و به محور اعتراضات تبدیل شد، سرها، در جامعه و در صفوف حکومت، به طرف کمونیستها و مشخصا حزب ما چرخید. در

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

از صفحه ۴ تو را در دادگاههایی که برای محاکمه همه شما از روحانی تا لاریجانی و از شریعتمداری تا خامنه ای سازمان خواهیم داد، از ما مردم خواهید گرفت. اندک اندک جمع مستان میرسند، اینک باید بفرسورای باشید که خودتان را در آنجا قایم کنید.

مینا احدی سخنگوی حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ ژانویه ۲۰۱۹، ۲۱ دی ماه ۱۳۹۷

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پرشور را در این شوراها جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

حزب کمونیست کارگری ایران
تیر ۱۳۹۷

اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواستهای سیاسی و رفاهی و حول خواستهای آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهد بگیرند. اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتواند، شوراهای

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم. يك ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است.

شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و

گزارشی از گفتگوی اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری ایران با رادیو فردا و دویچه وله در مورد اظهارات حشمت الله فلاح پیشه رئیس کمیسیون امنیت مجلس



جمهوری اسلامی زیر شکنجه از فعالین کارگری یا هر زندانی سیاسی میگیرد فاقد هرگونه اعتباری است. این جمهوری اسلامی است که بخاطر شکنجه اسماعیل بخشی محکوم است. حکومت میخواهد از زیر فشار جامعه به حکومت بخاطر شکنجه اسماعیل بخشی که چرا او را شکنجه کردید، فلاح پیشه اینرا پیش کشیده است که به نوعی مشروعیت به شکنجه بدهد و توجیه کند که اگر اسماعیل بخشی شکنجه شده بخاطر وابستگی او به یک حزب سرنگونی طلب بوده است. اما کل جامعه جمهوری اسلامی را محکوم میکند.

درمورد وارد آمدن اتهامات امنیتی به فعالان صنفی از جمله فعالین کارگری نیز اصغر کریمی گفت:

جمهوری اسلامی با سرکوب و شکنجه و زندان و اعدام روی کار آمده و پاسخ ساده ترین خواست رفاهی، اقتصادی و یا آزادی های مدنی را نمیتواند بدهد در نتیجه راهی جز سرکوب ندارد. نمیتواند بگوید کارگران، دانشجویان، معلمان، برای خواست های بحق شان به میدان آمده اند و دستمزدهایشان را میخواهند که یک پنجم خط فقر است و با گردن کلفتی نمیدهند در نتیجه باید پاپوش دوزی کند. این کار جمهوری اسلامی است. فکر میکنند با این ادعا که فلان فعال با فلان حزب رابطه داشته و یا امنیت ملی را زیر سوال برده و اگر ما کسی را دستگیر و شکنجه کرده ایم به ما حق بدهید ولی جامعه به اینها هیچ حقی نمیدهد.

به وزارت امور خارجه سوئد

درمورد شکنجه یکی از رهبران کارگری در ایران

روز ۴ ژانویه اسماعیل بخشی نماینده منتخب کارگران نیشکر هفته تپه در پستی در اینستاگرام خود از از فشار و شکنجه های غیرقابل تحملی که در زندان بر او اعمال شده پرده برداشت و وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی را به مناظره دعوت کرد.

این رهبر کارگری در ۱۸ نوامبر در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شد و به مدت ۲۵ روز در زندان بود و مورد شکنجه های جسمی و روحی وحشیانه ای قرار گرفت. او در نامه خود که متن کامل آن را به زبان انگلیسی برای شما ضمیمه می کنیم از جمله می نویسد:

"در روزهای اول بدون دلیل یا هیچ حرفی تا سر حد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا ۷۲ ساعت در سلولم از جایم نمی توانستم تکان بخورم و آنقدر زده بودند که حتی از تاب درد خوابیدن هم برایم جز آور بود.."

جرم اسماعیل بخشی دفاع از حقوق پایه ای کارگران، حق اشتغال، حق داشتن تشکل مستقل و اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزد کارگران بود. بخشی رهبر اعتصابی بود که ۲۸ روز طول کشید یکی از فوری ترین خواست های این اعتصاب پرداخت فوری چهارماه دستمزد چند بار زیر خط فقر ۶۰۰۰ کارگر این شرکت بود. نامه اسماعیل بخشی بر یک درد مزمن جامعه ایران انگشسته است و در میان مردم بازتاب وسیعی داشته است بطوریکه حکومتیان نیز ناچار به واکنش در قبال آن شده اند.

آنچه که بخشی در نامه خود بدان اشاره کرده است داستان زندگی شمار زیادی از فعال سیاسی و مدنی در ایران است

که در طول تقریباً ۴۰ سال حکومت جمهوری اسلامی بطور سیستماتیک مورد اذیت و آزار، زندانی و شکنجه قرار داشته اند و دهها هزار نفر آنان نیز پس از شکنجه های بیرحمانه و بعضاً تجاوز اعدام شده اند. همین امروز که این نامه را برای شما می نویسیم هفت تن از کارگران مجتمع فولاد اهواز واقع در جنوب ایران به دلیل طلب کردن خواستهای خود در زندان و وضعیت مشابه اسماعیل بخشی بسر می برند. نامه اسماعیل بخشی بر یک درد مزمن جامعه ایران انگشت گذاشته و در میان مردم بازتاب وسیعی داشته است بطوریکه حکومتیان نیز ناچار به واکنش در قبال آن شده اند.

نقض آشکار حقوق و آزادیهای مدنی مردم ایران از سوی جمهوری اسلامی موضوعی نیست که بتوان با سکوت از کنار آن گذشت. ما از شما می خواهیم که به شکنجه و اذیت و آزار اسماعیل بخشی و همه فعالین کارگری و مدنی در ایران شدیداً اعتراض کنید و روابط دیپلماتیک خود را با چنین حکومتی خاتمه دهید. ما ادامه روابط دیپلماتیک با رژیم که در کشور همسایه شما، دانمارک، ترور مخالفین سیاسی خود را طرح ریزی می کند و در داخل کشور نیز فعالین کارگری را تا سرحد مرگ شکنجه می دهد، بدور از شان و منزلت انسانی می دانیم. امیدواریم امکان ملاقات حضوری با شما را بیابیم باشد تا اهمیت این موضوع را بیشتر توضیح بدهیم.

با احترام
حسن صالحی - سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام هرمزرها - مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام

رادیو دویچه وله

اصغر کریمی در پاسخ به رادیو دویچه وله که سوال کرده است موضع حزب درمورد صحبت رئیس کمیسیون امنیت مجلس درمورد وابستگی اسماعیل بخشی به حزب کمونیست کارگری چیست، گفت:

در اطلاعاتی ای که حزب کمونیست کارگری شب گذشته منتشر کرد، توضیح داده شده که آقای اسماعیل بخشی نه تقاضای عضویت در حزب کمونیست کارگری کرده و نه وابستگی حزبی داشته است. طبعاً این حق مردم است که عضو هر حزبی خواستند بشوند و اگر بخشی هم عضو حزب شده بود این حقش بود. این حقی است که جمهوری اسلامی از مردم ضایع کرده است. در عین حال اگر در این شرایط رئیس کمیسیون امنیت مجلس حکومت بجای جوابگویی به شکنجه بخشی، میگوید ایشان وابستگی حزبی داشته است، این فقط پاپوش دوزی و پرونده سازی است که خودشان را از زیر فشار بیرون ببرند و فکر میکنند با اینکار به شکنجه آقای بخشی مشروعیت میدهند. که اگر شکنجه هم شده بخاطر این بوده که به یک حزب سرنگونی طلب وابستگی داشته است.

درمورد این سوال دویچه وله که چرا از نام حزب شما برای چنین اتهامی علیه آقای بخشی استفاده شده اصغر کریمی توضیح داد:

ببینید علت اصلی اش این است که حزب کمونیست کارگری فوق العاده فعال است. چند دهه است بطور مستمر و در سطح وسیعی فعالیت

میکند و الان تاثیراتش را در جامعه مبینیم. اعتراضاتی که امروز در جامعه هست، شعارهایی که در اعتراضات داده میشود، قطعنامه هایی که تشکل های مختلف میدهند، اکثراً و کاملاً شبیه بندهای برنامه یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری است. روی تمام اینها ما گام به گام و هزاران بار کوبیده ایم، تبلیغ کرده ایم، بحث کرده ایم، اهمیتش را گفته ایم، کار میدانی کرده ایم، جواب مخالفین را داده ایم، در نتیجه خیلی از اینها به گفتمان های سیاسی در جامعه تبدیل شده است. علتش اساساً این هست. طبعاً ما بسیار خوشحالیم و افتخار میکنیم که در موقعیتی قرار گرفته ایم که جامعه دارد شبیه ما حرف میزند. خیلی ها عضو حزب میشوند، خیلی ها حزب را میشناسند، به آن علاقه پیدا کرده اند، فضای جامعه بسیار چپ شده و حزب امروز نفوذ بسیار زیادی در میان بخش های مختلف جامعه بویژه بخش هایی که اعتراضات را پیش میبرند دارد، ولی تا جمهوری اسلامی هست این قابل اعلام نیست. فعالین بسادگی نمیتوانند بگویند عضو حزب هستیم، و یا خیلی ها که تعدادشان واقعا بی شمار است خودشان را عضو حزب میدانند اما امکان اعلام آن و تماس با ما را ندارند.

رادیو فردا

در پاسخ به سوال رادیو فردا نیز اصغر کریمی توضیح داد که آقای بخشی نه تقاضای عضویت در حزب کمونیست کارگری کرده و نه عضو حزب بوده است. هر نوع اعتراضی که



این دیگر آخر خط است!

پاسخی به حسین شریعتمداری و مطلب

کاسه ای زیر نیم کاسه است!

به پایان دوران خونریزی سربازان وحشی امام

زمان نزدیک میشویم!

بخشی ها را در حلقه محبت خود میگیرند، اینکه هر روز هزاران نفر در خیابان هستند و فریاد سرنگونی سر میدهند، حکومتی ها را به سرگیجه انداخته و سرسام گرفته اند. بله امروز اوضاع در ایران عوض شده است. اینک طبقه کارگر با تمام قد و قامت خود آمده است و گلوی حکومت را می فشرد، بهمین دلیل هذیان میگویند. شریعتمداری بهتر است بفهمد که دوران بگیر و ببند و پرونده سازی و دادگاههای فرمایشی چند دقیقه ای و دوران خون ریزی سربازان وحشی امام زمان به سر رسیده است.

امروز اگر شریعتمداری برای دفاع از شکنجه کارگر هفت تپه و خبرنگار مدافع حقوق کارگران، از قران کد و آیه میاورد، مردم همان آیه را نیز دور می ریزند و اگر وقتش برسد، قران آتش میزنند.

پاسخ من و در حقیقت پیام من به حسین شریعتمداری اینست:

جناب! دوران قدر قدرتی شما جنایتکاران خونریز اسلامی بسر رسیده، پنبه از گوش در آورده و زلزله سهمگینی که در ایران لرزه بر جان همه شما انداخته را به رسمیت بشناسید. زلزله مردمی قهرمان و انسان دوست و مبارز که میروند سر مار اسلام سیاسی را با قدرت زیر پای خود له کنند. مردمی که کشته دادند، شکنجه شدند، بیکاری و فقر را تجربه کردند ولی کوتاه نیامدند، انسانیت در ایران دارد خود را سازمان میدهد و پاسخ جانانی همچون

مورچگان ریخته، در دوره حضور صدها رهبر کارگری، معلمین، رهبران زنان و رهبران شایسته اعتراضات اجتماعی در ایران و متکلم وحده نبودن شما وقیحان اسلامی، این نوع دروغ و مهمل بافی، فقط سیل اعتراضات را گسترده تر و سهمگین تر خواهد کرد.

همین روش برخورد بازجوها و دستگاه جهنمی ای به اسم دستگاه قضایی حکومت اسلامی است. برای سرکوب مردم و بستن دهان منتقدین، از قبل پرونده میسازند، داستان سر هم میکنند و چون از سایه خود میترسند با قتل و شکنجه و اعدام تلاش میکنند حکومت اشان و بطریق اولی بساط چپاول و دزدیهایشان را سر پا نگه دارند.

شریعتمداری البته در این نوشته به همه مقامات حکومتی می تازد و از روحانی تا لاریجانی و تا مجلس اسلامی و فراکسیون امید و... همه را سفیه و بازیچه دست معرفی میکند.

تماشا کنید، اعتراضات شما مردم، حکومت اسلامی را به چه روز انداخته است. کارگران هفت تپه و فولاد و همه شما معترضین به این حکومت ببینید که کفگیر حکومت قتل و شکنجه و اعدام به ته دیگ خورده است. واقعیت اینست که امروز قوه قضاییه و روحانی و بیت رهبری فقط با یک گروه و یا کارگران یک کارخانه روبرو نیستند، امروز با همه مردم ایران طرف هستند و اینکه حرفهای اسماعیل بخشی وسیعاً در ایران و در دنیا پخش میشود، اینکه مردم اسماعیل

روز ۱۹ دی ماه ۱۳۹۷ یادداشت روز روزنامه معلوم الحال کیهان، با عنوان "کاسه ای زیر نیم کاسه است" به قلم حسین شریعتمداری بود، یکی از مهره های مهم حکومت اسلامی که دستش تا مرفق به خون هزاران نفر آلوده است. این جناب در مورد شکایت اسماعیل بخشی و درخواست مناظره با وزیر اطلاعات، سرنا را از سر گشاد زده و می فرماید. اسماعیل بخشی و دستگیری او و شکنجه شدن او و علنی شدن این شکنجه ها و عطف توجه افکار عمومی به این موضوع یک طرح از پیش سازماندهی شده عوامل خارجی بوده و اصلا بخشی بدلیل وابستگی به حزب کمونیست کارگری مسئولیت سازمان دادن این موضوعات را داشته است!!! البته شریعتمداری برای شور کردن آش اضافه میکند "توضیح آن که «حزب کمونیست کارگری» یکی از گروه های وابسته به تروریست های «کومله است».

پرونده تکمیل شد. اسماعیل بخشی نه فقط عضو این حزب بوده که خود این حزب هم عضو کومه له "تروریست" است!! اگر این حرفها فقط اجرای یک تئاتر برای نشان دادن بی خبری طرف و یا شارلاتان بودن کارگردان و سناریو نویس بود، ما می خندیدیم و رد میشدیم، اما اینها پاپوش دوزی امنیتی است و کسی نیست به این مرد بگوید، در دوران تسلط و حضور مدیای اجتماعی، فیس بوك و تویتر و اینستاگرام و غیره که آب در خوابگاه

اسماعیل بخشی مجرم است و سربازان

امام زمان "مظلوم"!

کاظم نیکخواه

و... در فاصله ای کوتاه تمامی دستگاهها و مقامات عالی رتبه نظام برای رسیدگی به این ادعا صف کشیدند و با شمشیرهای آخته به وزارت اطلاعات و سربازان گمنام امام زمان - ارواحنا لثراب مقدمه الفداء - تاختند! چرا؟!

یک سوی این ماجرا تهمتی بود که از جانب یک مجرم مطرح شده بود و در سوی دیگر ماجرا سربازان گمنام و فداکار وزارت اطلاعات قرار داشتند که همگان بارها و بارها، ایمان و صداقت آنان را آزموده بودند. سربازان گمنامی که جان خویش بر کف گرفته بودند تا امنیت و جان و مال و ناموس مردمان از کف نرود. کدام انسان عاقل و فرهیخته ای در اولین نگاه - تاکید می شود در اولین نگاه - ادعای یک مجرم را بر جماعتی مؤمن و صادق ترجیح می دهد؟!

معلوم است که جمهوری اسلامی تصمیمش را گرفته است که همچون همه دروغگویان تاریخ همه چیز را انکار کند. کارگر حق طلبی که دستگیر شده و شکنجه شده "مجرم" خطاب میشود. و شکنجه گران و جنایتکارانی که پرونده هزاران جنایت و تجاوز و قتل و توهین و کثافت را در کارنامه خود دارند، مظلومند!

واقعا اینها کیستند؟! ما در کجای زمان ایستاده ایم؟ اینها حتی روی دست از هاری و شابستی و ساواکیهای دیکتاتوری شاه زده اند و نه فقط نفس شکنجه در زندانهای حکومت را انکار میکنند بلکه شکنجه گران را مدافع "امنیت و جان و مال و ناموس مردمان" اسم میبرد.

امیدوارم حسین شریعتمداری زنده باشد و مثل شاهرودی به درک واصل نشود و بتوانیم او را در دادگاههای مردم ملاقات کنیم ببینیم انجا چه میگوید. زنده باد اسماعیل بخشی! زنده باد انقلاب ما مردم!

حسین شریعتمداری در سر مقاله کیهان روز گذشته با لحنی طلبدار و وقیحانه به اسماعیل بخشی حمله کرده و از اسماعیل بخشی بعنوان "یک مجرم" اسم میبرد و ادعا میکند که نظام اسلامی و "سربازان گمنام امام زمان یعنی همان شکنجه گران کثیف حکومتی بخاطر ادعاهای این مجرم، مورد ظلم واقع شده اند! براساسی کلمات از توصیف حد و مرز وقاحت و ردالت سخنگویان و دستگاههای تبلیغاتی حکومت اسلامی عاجزند. به این جماعت چه میشود گفت جز اینکه شما را بزودی به زیر میکشیم؟ چه میشود گفت جز اینکه این جامعه دیگر تاب تحمل این همه وقاحت و ردالت را ندارد؟

در خلال جملات وقیحانه حسین شریعتمداری اما علاوه بر ردالت اوج دعوای جناحی درون حکومت هم بیرون میزند. فشار اعتراضات ما مردم صفوف حکومت را بهم ریخته است. حسین شریعتمداری اینطور میگوید "داستان دروغین شکنجه اسماعیل بخشی یکی از افراد بازداشتی در ماجرای اعتراضات هفت تپه بلافاصله پس از مطرح شدن از جانب وی به خبر برجسته روزنامه های زنجیرهای و سایت ها و شبکه های مجازی و رسانه های بیرونی تبدیل شد! این حجم انبوه از پوشش خبری به ادعای یک بازداشتی آنهم یکماه پس از آزادی وی به وضوح از هماهنگی قبلی رسانه های بیرونی و دنباله های داخلی آنها حکایت می کرد. ماجرا تا آنجا پیش رفت که رئیس جمهور دستور رسیدگی صادر کرد! رئیس قوه قضائیه اعلام کرد در صورت صحت این ادعا با متخلف برخورد می شود! فراکسیون امید از مسئولان وزارت اطلاعات خواست برای بررسی این ادعا به مجلس بیایند! رئیس مجلس با بررسی ادعای شکنجه اسماعیل بخشی در کمیسیون امنیت ملی موافقت کرد!

صادق لاریجانی و شکنجه اسماعیل بخشی!

گفتگو با محسن ابراهیمی
در برنامه نگاه روز تلویزیون کانال جدید



در خبرها آمده است صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، به دادستان کل کشور دستور داد هیأتی مستقل برای بررسی موضوع «شکنجه» اسماعیل بخشی، نماینده کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، تشکیل دهد و نتایج بررسی‌های این هیأت را منتشر کند. دلایل این پیگیری در چنین سطحی از مسئولین نظام موضوع برنامه نگاه روز است و مهمان برنامه ما، محسن ابراهیمی به پرسش‌های ما جواب می‌دهند.

مهمان ما محسن ابراهیمی عزیز هستند و پاسخگو به سئوالات ما در همین رابطه هستند. محسن ابراهیمی سلام و خوشامدگویی خدمت شما. محسن ابراهیمی: من هم سلام عرض می‌کنم خدمتتون. خیلی متشکرم. آیا این خبر خوشحال کننده ای نیست که رئیس قوه قضائیه یعنی بالاترین مقام قضایی جمهوری اسلامی خواهان رسیدگی به این پرونده شده است؟

محسن ابراهیمی: تا آنجاییکه به اجرای عدالت مربوط است و از این نظر البته این خبر تغییری در وضعیت اسماعیل بخشی و سایر عزیزانی که در زندانها شکنجه میشوند نخواهد داشت. این خیلی روشن است. این سناریو، این نمایشی که اینها شروع کرده اند، رئیس قوه قضائیه به دادستان جمهوری اسلامی دستور میدهد عدالتی را اجرا کند! خیلی جالب است. اینها همه شان جزو ارکان اصلی سیستمی هستند که چهل سال

شکنجه نقطه پایانی بگذارد؟ محسن ابراهیمی: واقعا مسخره است. واقعا آدم نمیداند بخندد یا گریه کند. در ایران شکنجه نیست؟! البته، وقاحت اینها آنقدر بالاست که همینها گفتند ایران دمکراترین کشور جهان است! ایران آزادترین کشور جهان است! در ایران همجنسگرا وجود ندارد! در ایران فشار و سرکوب وجود ندارد! همینها هستند که همیشه اینها را مطرح میکنند. در هر صورت می‌خواهم بگویم که این وضعیت جمهوری اسلامی است و همیشه اینطور گفته اند.

محسن ابراهیمی: ببخشید سؤال اصلیتان، آن نکته اصلیش را من فراموش کردم اگر ممکنه تکرار کنید سئوالتان را.

نگار سرو علیشاهی: لاریجانی می‌گوید شکنجه از نظر شرعی و قانونی در ایران ممنوع است. می‌خواستم ببینم که این واقعیت جمهوری اسلامی است؟ یا اینکه به هر حال می‌رود که رژیم اسلامی به شکنجه نقطه پایانی بگذارد؟ محسن ابراهیمی: بله، خیلی نکته مهمی است به نظر من. شکنجه جزو ذاتی حکومت اسلامی است. همچنانکه زندانی کردن، سرکوب و اعدام جزو ذاتی این حکومت هستند. ولی آیا واقعا با این وضعیت، اینها میخواهند به شکنجه پایان بدهند؟

شکنجه (در جمهوری اسلامی) را ما باید پایان بدهیم. مردم باید پایان بدهند. جمهوری اسلامی تا زمانیکه وجود دارد به نحوی بالاخره باید شکنجه داشته باشد. اما میشود در همین عرصه هم با جنبش علیه شکنجه، هر چقدر قدرتمند باشد این جنبش، هر چقدر وسیعتر باشد جنبش علیه شکنجه، خیلی چیزها را به جمهوری اسلامی تحمیل کرد. در همین زمینه هم، همین جمهوری اسلامی را در مورد یکی از ارکانش میشود به عقب نشینی وادار کرد همچنانکه در مورد سنگسار این کار را کردیم. حکومت اسلامی دوافکتو عملا سنگسار را کنار گذاشته است. چرا؟ به خاطر جنبش قدرتمند علیه سنگسار. در مورد شکنجه هم چنین کاری کاملا ممکن است. جرقه اش هم زده شده است با این اتفاقی که افتاده، با دستگیری و شکنجه اسماعیل بخشی و نامه خیلی محکمی که نوشته جرقه اش زده شده است. جنبش علیه شکنجه میتواند حکومت اسلامی را قدمها به عقب براند و البته پایان شکنجه در جامعه ایران با پایان خود حیات حکومت اسلامی نهایتا امکانپذیر خواهد بود.

نگار سروعلیشاهی: فرزانه زیلابی، وکیل مدافع اسماعیل بخشی، گفته که موکلش برای تکذیب سخنانش «تحت فشار» قرار گرفته است. برای اینکه فشار بر اسماعیل بخشی

خنثی شود چه می‌توان کرد؟ محسن ابراهیمی: بله فشار آوردند. دارند فشار می‌آورند. باید همان کاری را کرد که الان حزب کمونیست کارگری ایران، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و خیلی از نیروهای چپ، آزادیخواه، عدالت طلب و انسانهای شریف در ایران و جهان دارند انجام میدهند. باید وسیعتر افشا کرد. هر چقدر در سطح وسیع، در ایران، در منطقه، در جهان، در میان نهادهای طرفدار حقوق انسانها در دنیا وسیعتر این وضعیت جمهوری اسلامی را افشا بکنیم، بشناسانیم و به این معنا هر چقدر در سطح جهان وسیعتر همبستگی جهانی در دفاع از حقوق اسماعیل بخشی، در دفاع از این رهبر کارگری و بر علیه شکنجه فراهم بشود، همانقدر دست حکومت اسلامی کوتاهتر میشود. حکومت اسلامی فقط زیر فشار سیاسی، فشار اجتماعی، فشار جنبشهای وسیع در جهان میتواند عقب بنشیند. هیچ راه دیگری نیست. باید این کار را در سطح بسیار وسیع انجام داد. باید یک کاری بکنیم که حکومت اسلامی هر کجا در ایران و در جهان می‌چرخد با موج نفرت و خشم و انزجار به خاطر این تلاشی که علیه اسماعیل بخشی الان دارد انجام میدهد مواجه شود. و این میتواند دست حکومت اسلامی را کوتاه کند.

بیانیه حزب کمونیست کارگری:

در دفاع از اسماعیل بخشی و برای سرنگونی حکومت زندان و شکنجه

اسماعیل بخشی رهبر محبوب و مشهور کارگران نیشکر هفت تپه در اقدامی جسورانه در نامه ای به وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی از فشار و شکنجه های غیرقابل تحملی که در زندان بر او اعمال شده پرده برداشته و وزیر اطلاعات حکومت را به مناظره دعوت کرده است.

این رهبر کارگری در ۲۷ آبان ماه در جریان اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شد و به مدت ۲۵ روز در زندان و زیر شکنجه جنایتکاران بود. گناه اسماعیل بخشی این بود که در برابر مفتخوران حریصی که دستمزد فقیرانه کارگران را با قلدری بالا میکشند و زندگی و معیشت کارگران را به گروگان گرفته اند، با جسارت از کارگران دفاع کرد. گناه اسماعیل بخشی این بود که به ظلم و تعدی آشکار کارفرمایان حریص و انگل علیه کارگران تمکین نکرد. گناهش این بود که از حق اشتغال، حق تشکل و از شورای مستقل کارگری دفاع کرد. گناهش این بود که از حق و حقوق پایه ای کارگران دفاع کرد. او در جریان مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه به صدای اعتراض همه مردم علیه مفتخوران تبدیل شد و در قلب کارگران و دانشجویان و معلمان و پرستاران و هزاران فعال سیاسی و اجتماعی جا گرفت. دستگیری او یک دهن کجی و گستاخی حکومت

به کل مردم بود. با دستگیری اسماعیل بخشی جمهوری اسلامی نه فقط علیه کارگران بلکه علیه همه مردم اعلان جنگ کرد. با این اقدام خشم و نفرت در سراسر کشور علیه حکومت ضد کارگری و ضد انسانی حاکم عمق و گسترش بیشتری یافت و اکنون نامه اسماعیل بخشی و شرح شکنجه هایی که بر او رفته، در واقع به کیفرخواست همه کارگران و استثمارشوندگان، همه شکنجه شدگان، همه خانواده های جانباخته و همه مردمی که برای رفاه و آزادی مبارزه میکنند تبدیل میشود و موج قدرتمندی از اعتراض و تعرض به حکومت و همبستگی با کارگران و رهبران کارگری را در سراسر کشور دامن میزند. نامه اسماعیل بخشی پرچم جامعه علیه سرکوب و شکنجه و بیحقوقی و بیحرمت کردن مردم را در دست طبقه کارگر قرار میدهد، باروت تازه ای به جنبش دادخواهی میدهد و جنبش سرنگونی طلبانه و جنبش کارگری را گام دیگری به جلو میبرد.

اسماعیل بخشی صدای کارگران نیشکر هفت تپه و همه کارگران و مردم حق طلب بود و اکنون با نامه جسورانه و افشاگرانه خود در واقع کل جامعه را به اعتراض به سیستم زندان و شکنجه فرا میخواند. همه ما باید صدای اسماعیل بخشی باشیم. باید از او حمایت کنیم. باید او را بر سر دست بلند کنیم و به حاکمین

اعتراض کنیم. باید کل سیستم زندان و شکنجه و اعدام حکومت را به مصاف بگیریم. باید آزادی همه کارگران و معلمان و دانشجویان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی از جمله علی نجاتی، محمد حبیبی، آتنا دائمی، بهنام ابراهیم زاده و عسل محمدی را با قدرت فریاد بزنیم. باید چنان همبستگی با اسماعیل بخشی و کلیه فعالین و رهبران کارگری را تقویت کنیم که جمهوری اسلامی به سادگی جرات نکند به آنها دست درازی کند.

حکومت اسلامی حکومت سرمایه داران و دزدان و اختلاسگران است. دشمن خبیث کارگران و مردم شریف و حق طلب است. حکومت شکنجه و زندان و جنایت است. این حکومت جایش در راس جامعه نیست. جایش در زیاده دان است و باید با موجی از اعتراض و اعتصاب و تظاهرات و حق طلبی و دفاع از آزادی بیان و مخالفت با زندان و شکنجه و دستگیری، این حکومت ارتجاعی را به زیر کشیم و آزادی بی قید و شرط اعتراض و بیان و اعتصاب را به قانون جامعه تبدیل کنیم و یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی پایه ریزی کنیم.

زنده باد اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران سرنگون باد حکومت اسلامی سرمایه داران
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ دی ۱۳۹۷، ۴ ژانویه ۲۰۱۹

اعلام کارزار "من هم شکنجه شدم"

کیفرخواستی علیه چهل سال شکنجه و زندان

از شما جان به دربرندگان شکنجه، زندانیان سیاسی، خانواده های زندانیان سیاسی و جانباختگان و از شما مردم آزادیخواه دعوت می‌کنیم با اعلام کیفرخواست خود در کارزار شرکت نمایید.

کارزار 'من هم شکنجه شدم' در ادامه کیفرخواست اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران نیشکر هفت تپه علیه شکنجه شدن در زندان و انتشار نامه سرگشاده به وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام شده است. اسماعیل بخشی شکنجه‌های اعمال شده نسبت به خود و همه فعالان اجتماعی را به پرچم اعتراضی چالش دستگاه سرکوب و زندان و شکنجه جمهوری اسلامی بدل کرده است. این اقدام شجاعانه وی، موجی از حمایت مردم رنج‌دیده از شکنجه و زندان را تا به حال بدنبال داشته است. اسماعیل بخشی، همراه وکیل خود به مجلس رفت اما جلسه کمیسیون امنیت ملی بدون حضور وی تشکیل شد. کمیسیون امنیت ملی همراه با وزیر اطلاعات، بدون حضور بخشی برای پرونده سازی و پاپوش دوزی علیه بخشی، جلسه گرفتند و با وقاحت تمام اعلام کردند اسماعیل شکنجه نشده است. این داستان نه تنها اسماعیل بخشی، داستان شکنجه و پرونده سازی و پاپوش دوزی برای میلیونها مرد و زن دیگر در ایران تحت حاکمیت رژیم شکنجه و اعدام اس که در دادگاههای فرمایشی و اعلام امنیتی کردن با زندان و شلاق سرکوب شده‌اند.

تپه علیه شکنجه شدن در زندان و انتشار نامه سرگشاده به وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام شده است. اسماعیل بخشی شکنجه‌های اعمال شده نسبت به خود و همه فعالان اجتماعی را به پرچم اعتراضی چالش دستگاه سرکوب و زندان و شکنجه جمهوری اسلامی بدل کرده است. چندین میلیون نفر مانند اسماعیل بخشی در زندان‌ها توسط حکومت اسلامی در ایران شکنجه شده‌اند کارزار 'من هم شکنجه شدم' باید به ظرفی برای انعکاس صدای تمام این زنان و مردان، این جوانان و کودکانی تبدیل شود که در زندانهای شهرهای ایران. شب و روز را تحت شکنجه جسمی و روحی سپری کردند. باید صدای خانواده هایی باشد که جگر گوشه هایشان را زیر شکنجه این جلاخان از دست دادند.

کارزار 'من هم شکنجه شدم' در ادامه کیفرخواست اسماعیل بخشی نماینده محبوب کارگران نیشکر هفت تپه علیه شکنجه شدن در زندان و انتشار نامه سرگشاده به وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی اعلام شده است. اسماعیل بخشی شکنجه‌های اعمال شده نسبت به خود و همه فعالان اجتماعی را به پرچم اعتراضی چالش دستگاه سرکوب و زندان و شکنجه جمهوری اسلامی بدل کرده است. چندین میلیون نفر مانند اسماعیل بخشی در زندان‌ها توسط حکومت اسلامی در ایران شکنجه شده‌اند کارزار 'من هم شکنجه شدم' باید به ظرفی برای انعکاس صدای تمام این زنان و مردان، این جوانان و کودکانی تبدیل شود که در زندانهای شهرهای ایران. شب و روز را تحت شکنجه جسمی و روحی سپری کردند. باید صدای خانواده هایی باشد که جگر گوشه هایشان را زیر شکنجه این جلاخان از دست دادند.

دستگیری و شکنجه و زندان ابزار همیشگی رژیم کارزار 'من هم شکنجه شدم' در ادامه کیفرخواست اسماعیل بخشی پرچم اعتراض به شکنجه و زندان را

فیسبوك کارزار "من هم شکنجه شدم"
گروه تلگرامی کارزار "من هم شکنجه شدم"
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۱۹ دی‌ماه ۱۳۹۷

کارگر بازداشتی فولاد اهواز باید فوراً آزاد شوند

روز ۱۵ دی ماه بار دیگر خانواده های بازداشت شدگان گروه ملی فولاد اهواز در حالیکه بنرهایی در دست داشتند و بر روی آنها آهسته شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، نقش بسته بود، خواهان آزادی عزیزان در بند خود شدند. هفت نفر از کارگران بازداشتی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز به اسامی کریم سیاحی، بهزاد علیخانی، کریم حویزای، کاظم حیدری، طارق خلفی، مصطفی عیبات، میثم علی قنواتی از بیست و ششم آذر ماه در زندان بسر میبرند. محمد رضا نعمت پور که همراه با جمعی از کارگران خواهان آزادی همکاران زندانی خود شده بود، در یازدهم دیماه در داخل شرکت بازداشت شد و او را به زندان شبیان (زندانی مرکزی اهواز) منتقل کرده اند. هشت کارگر بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کارگران فولاد اهواز در سی و هشت روز اعتراض جانانه خود کل بساط چپاول و دزدی سیستم سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند. اکنون نیز خواست فوری همه کارگران آزادی همکاران بازداشتی شان است. کارگران فولاد اهواز خواستار پایان دادن به بساط چپاول و دزدی در این کارخانه هستند که تولید بخش های مختلف آن را به تعطیلی کشانده و کار و زندگی چهار هزار کارگر را به خطر انداخته است. کارگران گروه ملی فولاد اهواز همچنین به امنیتی کردن فضای این کارخانه اعتراض دارند و خواستار پایان دادن به این وضعیت هستند. اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز از کارخانه فراتر رفته است. امروز شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، کارگر فولاد و نیشکر هفت تپه آزاد باید گردد به شعار دانشجویان در دانشگاهها و بازنشستگان در تجمعات و دیگر بخش های معترض جامعه تبدیل شده است.

حزب کمونیست کارگری بر حمایت و همراهی فعال خانواده های بازداشت شدگان گروه ملی فولاد اهواز و ادامه قدرتمند همبستگی ها در سطح جامعه و در سطح بین المللی با این کارگران تاکید دارد و در این جهت بطور جدی تلاش میکند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ دیماه ۱۳۹۷، ۶ ژانویه ۲۰۱۹

*** **

میثم علی قنواتی یکی دیگر از کارگران

بازداشتی فولاد اهواز آزاد شد

امروز هفدهم دیماه یکی دیگر از کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز به اسم میثم علی قنواتی آزاد شد. آزادی او را به وی، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم. بدین ترتیب هم اکنون ۵ کارگر دیگر گروه ملی به اسامی طارق خلفی، محمدرضا نعمت پور، بهزاد علیخانی، کریم سیاحی و غریب حویزای

کردند. این کارگران در هفته گذشته در یازدهم دیماه نیز در همین رابطه تجمع داشتند. بنا به گزارشها زیر فشار اعتراضات کارگران چهل روز قبل هفده میلیارد تومان جهت تسویه کامل طلبهای کارگران بازنشسته کیان تایر بابت حق سنواتشان به حساب وزارت صنایع و اریز شده است. ولی همچنان کارگران را سر میدوانند و خبری از پرداخت طلبها نیست. در تجمع روز ۱۹ دی بازنشستگان بعد از ساعاتی اعتراض در ساعت ۴ بعد از ظهر به سمت خیابان سمیه حرکت کردند و اقدام به نشستن در وسط خیابان سمیه کردند و بدین ترتیب برای دقایقی خیابان بسته شد. کارگران شعار میدادند: "وعده وعید نمیخواهیم ما حقمونو میخواهیم" و "یه اختلاس کم بشه حق ما پرداخت میشه" و "مدیر بی لیاقت استعفا استعفا". در خاتمه کارگران با وعده حل مشکلاتشان تا روز شنبه ۲۲ دیماه، به تجمع خود خاتمه دادند و قرار شد در صورت عدم تحقق پرداخت سنوات مجدداً به تجمع خود ادامه دهند.

تجمع اعتراضی کارگران معدن طلای

آق دره

روز ۱۹ دی کارگران معدن طلای آق دره در شهرستان تکاب در اعتراض به اخراجها دست به تجمع زدند. طی دو ماه گذشته بیش از ۳۲۰ کارگر این معدن از کار اخراج شده اند. به گفته کارگران کارفرما با توجیه فصلی بودن کار، از تمدید قرارداد با آنها خودداری کرده است و این اتفاقی است که تقریباً هر سال تکرار میشود.

تجمع اعتراضی نانوایان در شهر طبس

روز ۱۶ دی نانوایان در شهر طبس در اعتراض به عدم افزایش دستمزد تجمع کردند. به گفته این کارگران دستمزد آنان از سال ۹۳ افزایش نیافته و مرتبط دانستن دستمزد آنان به نرخ نان و پیمان های دسته جمعی، باعث شده که دستمزد آنان حتی از همان دستمزد چند بار زیر خط فقر تعیین شده شورای عالی کار کمتر باشد و سطح آن همچنان منجمد بماند. این کارگران به دستمزدهای نازل و زیر خط فقر خود اعتراض دارند و خواستار افزایش فوری آن هستند.

تجمع اعتراضی کارکنان رسمی شرکت نفت مقابل مجلس اسلامی

روز ۱۹ دی کارکنان رسمی شرکت نفت در اعتراض به سطح نازل حقوقها و وضعیت بد معیشتی، گرانی و عدم تحقق وعدههای مقامات مسئول در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع زدند.

اعتصاب رانندگان ماشین آلات فاز

۱۲ پارس جنوبی عسلویه

روز ۱۸ دی رانندگان ماشین آلات فاز ۱۲ در پارس جنوبی عسلویه در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات مزدی خود دست به تجمع زدند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ دیماه ۱۳۹۷، ۱۰ ژانویه ۲۰۱۹

اطلاعیه های حزب

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه،

اعتراضات معلمان و چند خبر مهم دیگر

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

روز ۲۰ دی بخشی از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه طبق قرار قبلی که در هجدهم دیماه اعلام کرده بودند، در اعتراض به تعویق پرداخت دو ماه دستمزد و دیگر مطالباتشان دست به اعتصاب زده و مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. کارفرما در هراس از شروع مجدد اعتصاب در این مجتمع کارگری که امروز مورد توجه همه مردم است، در ساعات پایانی شب گذشته اقدام به انتشار قراردادهای جدید کاری جهت رویت کارگران کرد.

تجمعات اعتراضی معلمان در

شهرهای اصفهان، اردبیل، تبریز، یزد و

کرمانشاه

روز ۲۰ دیماه معلمان در شهرهای اردبیل، تبریز، یزد و کرمانشاه در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع اعتراضی بر پا کرده و پیگیر خواستهایشان شدند. روز نوزدهم دی ماه نیز در اصفهان معلمان تجمع کردند. در این تجمعات معلمان بر سطح نازل حقوقها، بیمه ناکارآمد و محرومیت از درمان رایگان و کاهش دائم قدرت خریدشان اعتراضات خود را اعلام داشتند.

بر روی بنرهای اعتراضی معلمان خواستهایی چون افزایش حقوق به بالای خط فقر ۶ میلیونی، تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان برای همه و آزادی معلمان زندانی می درخشید. در کرمانشاه معلمان که دو ماه حقوق نگرفته اند با شعارهای دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند، یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، صدای اعتراضشان را بلند کردند. در اصفهان یک موضوع مهم اعتراض معلمان حمله نیروهای انتظامی به تجمع قبلی آنها در ۶ دیماه بود. در این روز نیز نیروی انتظامی بسیاری در محل حاضر شده بود.

تجمع اعتراضی کارگران پسماند و

خدمات شهری شهرداری چوبیده

روز ۲۰ دی ماه حدود ۴۰ نفر از کارکنان پسماند و خدمات شهری شهرداری چوبیده از توابع آبادان به دلیل پرداخت نشدن چهار ماه حقوق و ۶ ماه مزایا، برای چندمین روز متوالی مقابل ساختمان شهرداری این شهر تجمع کردند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کیان

تایر در جلوی ساختمان وزارت صنایع

از ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۱۹ دی بازنشستگان کیان تایر در ادامه پیگیریهایشان برای وصول حق سنوات بازنشستگی خود مقابل ساختمان وزارت صنایع در خیابان سمیه کلانتری تجمعی برپا

تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته

نیشکر هفت تپه

روز ۱۶ دی جمعی از کارگران بازنشسته در مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات سنواتی خود در مقابل دفتر مدیریت این مجتمع تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. بنا بر خبرها این کارگران که شمارشان به حدود ۹۵ نفر می‌رسد، از آذر ماه تا اسفند ماه سال ۹۵ به مرور بازنشسته شده‌اند. به گفته کارگران کارگرانی که به مرور از این واحد بازنشسته می‌شوند امکان دریافت مطالبات سنوات پایان کار خود را ندارند. در عین حال هنوز موفق به دریافت نیمی از سنوات خود نشده‌اند. کارگران می‌گویند بعد از سال‌ها تلاش توانسته‌اند با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان‌آور از این کارخانه بازنشسته شوند، اما حالا کارفرما نبود منابع مالی را بهانه پرداخت نشدن سنوات آنها عنوان می‌کند. کارگران بازنشسته هفت تپه در رابطه با این موضوع بارها تجمع کردند اند.

اعتراضات کارگران واحد تولید مخازن

تحت فشار کاوش در قزوین

کارگران واحد تولید مخازن تحت فشار کاوش در قزوین در ادامه تجمعات اعتراضی شان در اعتراض به اخراج‌ها در روز پانزده دیماه با طرح شکایتی در اداره کار شهر صنعتی البرز خواستار بازگشت به کارشان شدند. از جمله این کارگران روز یازده دیماه در رابطه با اخراجها در مقابل استانداری تجمع داشتند. زیر فشار اعتراض کارگران و بدنبال تشکیل جلسه ای با حضور مسئولان استانداری و نمایندگان از کارگران، قرار بر این شد که تا هفته دیگر به خواست آنها رسیدگی شود. ۸۰ کارگر این واحد تولیدی از روز یکم دی ماه سال جاری با تصمیم کارفرمای کارخانه با اتمام قراردادهای کارشان اخراج شده‌اند. برخی از این کارگران ۱۴ سال سابقه کار دارند. خواسته فوری این کارگران بازگشت به کار و پرداخت مطالبات معوقه مزدی و سنواتی آنهاست. به گفته کارگران کارفرما قبل از بیکارسازیها وعده پرداخت ۴۵ روز سنوات را به هریک از آنها داده بود اما همراه با اخراجها طلب کارگران نیز بالا کشیده شده است.

تجمع اعتراضی نانوایان طبس بخاطر

وضع بد معیشتی

روز ۱۶ دی جمعی از کارگران نانوائی در طبس در اعتراض به وضع بد معیشتی خود تجمع کردند. به گفته کارگران از سال ۹۳ دستمزد آنها افزایش نداشته است. این درحالیست که حداقل دستمزد تعیین شده سال ۹۷ خود چندین بار زیر خط فقر است و گرانی روز افزون اجناس هر روز قدرت خرید مردم را پایین تر آورده و وضعیت اقتصادی آنها را وخیم تر کرده است. کارگران نانوائی طبس ادامه زندگی در این ابعاد از فقر و بردگی را غیر ممکن دانسته و خواستار افزایش فوری دستمزدهایشان هستند. این کارگران می‌گویند که

دست از کار کشیدند و در مقابل ساختمان استانداری لرستان تجمع کردند. شرکت پیمانکاری در نواحی ریلی کشور چندین هزار کارگر دارد که با معضل تعویق پرداخت دستمزدها روبرویند و هرچند وقت یکبار با برپایی اعتصاب و تجمع موفق به نقد کردن بخشی از دستمزدهای به سرقت رفته شان میشوند.

طوماری با ۳۵۰۰۰ امضاء، بیمه

کارآمد درمان رایگان است

در پی بخشنامه جدید وزارت آموزش و پرورش در مورد بیمه تکمیلی آتیه سازان، کارزاری گسترده از سوی معلمان تحت عنوان چالش "نه به بیمه تکمیلی ناکارآمد" برپا شده است. تا کنون حدود ۳۵ هزار نفر به این کمپین پیوسته‌اند و بیش از ده تشکل معلمین به این چالش اعتراضی پیوسته‌اند. به راه افتادن این کارزار قدم مهمی در جهت جلو آوردن خواست درمان رایگان از سوی معلمان و بازنشستگان است. یک خواست مهم بازنشستگان در تجمع روز ۱۲ دیماه خواست درمان رایگان بود که در بنرهای اعتراضی آنان و در بیانیه هایشان انعکاس برجسته ای داشت. در همین راستا معلمان بسیاری با تهیه کلیپ هایی از خواست درمان و بیمه رایگان برای همه سخن گفتند. بدین ترتیب در کنار خواست تحصیل رایگان، با کارزاری چنین گسترده امرو خواست درمان رایگان در ردیف خواستهای مبرم کل جامعه قرار گرفته و جلو آمده است.

خطر بیکاری بیش از ۳ تا ۴ هزار نفر

از پرسنل مراکز اسقاط خودرو

بنا بر خبرها بیش از ۳ تا ۴ هزار نفر از پرسنل مراکز اسقاط خودرو در آستانه بیکاری قرار دارند. مجید کیانپور" عضو کمیسیون عمران مجلس با اعلام این خبر هشدار میدهد که با در نظر گرفتن خانواده های این کارگران معیشت و زندگی حدود پانزده هزار نفر به خطر خواهد افتاد. این درحالیست که آرش محبی نژاد یک مقام مسئول در صنعت قطعه سازی از بیکار سازی ۲۸۰ هزار نفر کارگر در این صنعت از ابتدای سال تاکنون خبر میدهد. چنین ابعاد فاجعه باری از بیکارسازیها زمزمه های اعتراضات گسترده ای را به پا کرده است. اقتصاد ورشکسته حکومت اسلامی مراکز کارگری بسیاری را به مرز تعطیلی و از کار افتادن تولید کشانده و در این میان دستمزد و زندگی کارگران به یغما می‌رود. اعتراض علیه بیکارسازیها و علیه این بساط چپاول دزدی امروز یک محور مهم اعتراضات کارگری است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ دیماه ۱۳۹۷، ۸ ژانویه ۲۰۱۹

*** **

تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته نیشکر

هفت تپه و دو خبر دیگر

همچنان در بازداشت بسر می‌برند. این کارگران از بیست و ششم آذر ماه بدنبال بیش از یکماه اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز بازداشت شده‌اند.

مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز تا کنون با موجی از همبستگی همراه بوده است. نمونه آخرش کارزار اتحادیه آزاد کارگران ایران برای آزادی تمامی بازداشت شدگان گروه ملی فولاد اهواز است که تا کنون ششصد نفر آنها امضا کرده‌اند و امضاها ادامه دارد، حزب کمونیست کارگری همگان را به همبستگی با مبارزات و خواستهای کارگران و پیوستن به چنین کارزارهایی فرامیخواند. حزب خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز، بسته شدن پرونده های امنیتی بازداشت شدگان و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات کارگران است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ دیماه ۱۳۹۷، ۷ ژانویه ۲۰۱۹

*** **

اعتراضات بخشی از کارگران نیشکر هفت

تپه و اخباری از دیگر مراکز کارگری

اعتصاب بخشی از کارگران نیشکر

هفت تپه

امروز سه شنبه ۱۸ دی ماه، بخشی از کارگران نیشکر هفت تپه در کارخانه تولید شکر با دست کشیدن از کار به نپرداختن دومه حقوق خود اعتراض کردند. کارگران اعلام کرده‌اند که اگر تا روز شنبه ۲۲ دیماه طلبهایشان پرداخت نشود، مجددا دست به اعتصاب و تجمع خواهند زد. با وعده پرداخت طلبهای کارگران اعتصاب پایان یافت.

تجمع اعتراضی کارگران شرکتهای

پتروپی، پتروسازان و عمران رهگذران

روز ۱۸ دی کارگران شرکتهای پترو پی، پتروسازان و عمران رهگذران در اعتراض به پرداخت نکردن ۴ ماه دستمزد دست از کار کشیده و با شعار سایپا خیانت کرده، مجلس حمایت کرده در مقابل کارخانه راهپیمایی کردند.

تجمع کارگران فضای سبز شهرداری

دزفول

روز ۱۸ دی کارگران فضای سبز شهرداری دزفول در اعتراض به پرداخت نکردن حقوق معوقه چند ماهه و با خواست رسمی شدن قراردادهای استخدامی شان در میدان رودبند شهر تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران خطوط فنی

راه آهن درود

روز ۱۷ دی شماری از کارگران تعمیرات خطوط راه آهن درود در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدشان

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست، مبارزان کمونیست و کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در مورد:

توطئه ترور سازمان زحمتکشان مهتدی علیه مخالفین سیاسی

با گذشت حدود چهار هفته از افشاگری یکی از اعضای سابق سازمان زحمتکشان مهتدی به اسم شورش خراسانه، و همچنین قدم جلو گذاشتن تعداد بیش‌تری از کادرها و مسئولین سابق این جریان و پرده برداشتن از طرح یا نقشه چند مورد ترور کادرهای حزب حکمتیست و دیگر مخالفین، دست و پا زدن های آمرین و مجریان این ترورهای سیاه برای توجیه و فرار از زیر بار مسئولیت آن پوچ از آب درآمد.

با شهادت انسان های حقیقی و حقوقی بیش‌تری که از نزدیک شاهد جزئیات برنامه ریزی این ترورهای جنایتکارانه بوده اند، هیاهوی اولیه امنیتی کردن و ربط دادن این افشاگری به جمهوری اسلامی و اطلاعات و غیره بسرعت دود شدند. اکنون دیگر واقعی بودن این ترورهای کثیف که متاسفانه هنوز بعضی از شاهدان آن به دلیل امنیتی نمی‌توانند زبان بگشایند بر هر انسان شرافتمندی محرز و آشکار است.

با توجه به شناخت از ریشه و پیشینه این جریان ناسالم، احزاب، تشکل‌ها و شخصیت های بسیاری در محکوم کردن این توطئه ها درنگ نکردند، اما این افشاگری‌ها بار دیگر مردم آزادیخواه، کارگران و کمونیست‌ها را بر آن می‌دارد که باتوجه به اوضاع سیاسی متحول کنونی جامعه کردستان و ایران در مقابل چنین توطئه هایی هشیار و با برنامه باشند. ما از ابتدا و از بدو سرهم بندی شدن این جریان تاکید کردیم که علیرغم بی‌ربطی باند زحمتکشان به جامعه اما می‌توانند به جنبش آزادیخواهانه و عدالتخواهانه خون پیاشند. کمونیست‌ها و صف آزادیخواه جامعه کردستان باید تضمین کنند که با قدرت، مدنیت جامعه را حفظ نمایند و از باب شدن این اقدامات جنایتکارانه و غیر انسانی جلوگیری نمایند. قدرت متشکل مردم انقلابی در شوراهایشان و سپردن جامعه بدست صاحبان واقعی آن مهم‌ترین تضمین برای جلوگیری ازیکه تازی و آلوده کردن جامعه باشرارت و تروریسم باند های اینچینی است. قدرت متشکل و مسلح کارگران و مردم زحمتکش جواب کمونیست‌ها به دست درازی انواع جریانات باند سیاهی است که در آینده و تحولات پیش رو بخواهند امنیت و مدنیت جامعه را تهدید کنند.

جریان زحمتکشان در یک‌گرفته بگیری آشکار با پشتیبانی و حمایت اتحادیه میهنی کردستان عراق و ربودن نام کومه له سر هم بندی شد. آن زمان ناسیو نالیسم کرد درعراق در پناه حمله آمریکا به عراق به قدرت رسیده بود. و در ایران جریان ۲ خرداد و ناسیونالیست‌های کرد درون حکومت به جنب و جوش افتاده بودند. این شرایط و در دل هیاهوی جهانی علیه کمونیسم و پایان تاریخ، عبدالله مهتدی را برای برپا کردن اقلیم دیگری درکردستان ایران وسوسه کرد.

از آن زمان تا به امروز کار عبدالله مهتدی در یوزگی سیاسی در بارگاه تمامی جریانات و قدرتهای مرتجع و سرکوبگر منطقه بوده است. از خوش ویش کردن با جریان اصلاح طلب درون حکومت و مذاکره با جمهوری اسلامی تا شاگردی جریانات ضد انقلابی پرو غرب و سلطنت طلب و وزارت خارجه آمریکا، جولانگاه عبدالله مهتدی برای آویزان شدن به قدرتهای جهانی و منطقه ای بوده است. تاریخ و پرونده این جریان بد نام باید نزد توده مردم کردستان بیش از پیش افشا گردد و کسانی که هنوز ماهیت آنها را نمی‌شناسند از پیوستن به آن برحذر داشته شوند.

مسئول مستقیم طراحی این ترورها رهبری جریان زحمتکشان و شخص عبدالله مهتدی است. افرادی که در آن زمان از سر ناآگاهی و یا تسلیم جو شدن در نقش طراحان و مجریان این جریان برآمدند، بهتر است بجای مقاومت بیهوده و اطلاعیه دادنهای بی‌خاصیت و پر تناقض، اگر هنوز ذره ای شرافت وجدانشان را آزار می‌دهد، زبان به گفتن حقیقت بگشایند. این امر بنفع خود آنها و جامعه کردستان است.

ما از همه احزاب و جریانات و شخصیت های سیاسی در ایران و کردستان انتظار داریم ضمن محکوم کردن سازمان زحمتکشان و توطئه های کثیف آن در حفظ سلامت و فضای آزادی فعالیت سیاسی تلاش کنند. همین تجربه و سابقه دست درازی حزب دمکرات به کمونیست‌ها در کردستان به ما می‌گوید که صف آزادیخواهی و کمونیسم در کردستان باید قوی، متحد و استوار باشد.

۶ ژانویه ۲۰۱۹

بخشی و همینطور کارگران هفت تپه و فولاد اهواز و کارزار دادخواهی شکنجه شدگان تا لغو همه پرونده های امنیتی علیه اسماعیل بخشی و کلیه کارگران و فعالین دانشجویی و معلمان و همه مردم حق طلب پیگیرانه ادامه میدهد. این مبارزه بخش مهمی از جنبش عظیمی است که برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی به حرکت در آمده و با قدرت به پیش میرود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ دیماه ۱۳۹۷، ۸ ژانویه ۲۰۱۸

تپه شکوه کرده بود. نه تنها مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه بلکه همه اعتراضات و اعتصابات کارگری و در سطح وسیعتری مبارزات زنان و بازنشستگان و معلمان و سایر بخشهای جامعه بیش از پیش چهره "کمونیستی کارگری" بخود میگیرد، و همین واقعیت است که مقامات حکومتی را چنین به هراس انداخته است. حزب ما بقول ریاست کمیسیون کذائی امنیت مجلس اسلامی حزب "گسترش اعتراضات" است. و ما به این امر افتخار میکنیم.

حزب کمونیست کارگری به کارزار دفاع از اسماعیل

مرتبط دانستن دستمزد کارگران خبازی‌ها به نرخ نان و پیمان های دسته جمعی، باعث شده دستمزد آنان در سال های گذشته ثابت بماند و حاضر به ادامه این وضعیت نیستند.

پیش بسوی تشکیل شوراها

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ دی ۹۷ - ۶ ژانویه ۲۰۱۹

*** **

اطلاعیه درباره ادعای وابستگی اسماعیل

بخشی به حزب کمونیست کارگری

امروز سه شنبه ۱۸ دیماه حشمت الله فلاحت پیشه رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در مصاحبه ای اعلام کرد که اسماعیل بخشی اعتراف کرده است که "وابسته به حزب کمونیست کارگری" است. حزب کمونیست کارگری در برابر این ادعا اعلام میکند اسماعیل بخشی نه تقاضای عضویت در حزب کرده و نه وابستگی تشکیلاتی به حزب داشته است. حتی اگر چنین اعترافی هم شده باشد، هیچ اعترافی در زیر شکنجه مطلقا اعتبار ندارد.

جمهوری اسلامی که بدلیل شکنجه اسماعیل بخشی زیر ضرب جامعه قرار گرفته و از پاسخگویی به نامه او به وزیر اطلاعات عاجز است، به خیال خود میخواهد با این ترفند و پرونده سازی به شکنجه وی مشروعیت بدهد. رئیس کمیسیون امنیت ملی در این مصاحبه عملا اعتراف میکند که اسماعیل بخشی مورد شکنجه قرار گرفته است. او میگوید در حال انتقال بخشی به زندان درگیری هایی صورت گرفته ولی بعنوان شکنجه نبوده است! این اعترافی است که یک فعال کارگری را گرفته اند و سرکوبگران وزرات اطلاعات در مسیر انتقال به زندان شکنجه او را شروع کرده اند.

حزب کمونیست کارگری این پرونده سازی آشکار علیه اسماعیل بخشی را شدیداً محکوم میکند. لازم به توضیح است که در حالیکه مقامات بالای حکومت مجبور شده اند کمیسیتی را مامور بررسی شکنجه اسماعیل بخشی کنند، تعدادی از ارگانهای سرکوب خود را مامور کرده اند که با تهدید بخشی او را وادار کنند که شکنجه شدن خود را انکار کند. حزب کمونیست کارگری شدیداً جمهوری اسلامی را بدلیل این جنایات آشکار محکوم میکند.

این حق اسماعیل بخشی و همه مردم معترض است که عضو هر حزبی از جمله حزب کمونیست کارگری بشوند. جمهوری اسلامی مردم را از این حق مسلم خود محروم کرده است. امروز بدلیل چند دهه فعالیت مستمر و گسترده حزب کمونیست کارگری، اعتراضات کارگری و دانشجویی و بخشهای مختلف جامعه هر روز بیشتر رنگ و بوی سیاست های حزب را میگیرد و سخنرانی های فعالین و اعتراضات بسیاری از مردم نسبت به اوضاع حاکم بر جامعه با نقد حزب کمونیست کارگری هرروز همسوتر میشود. چندی قبل هم روزنامه رسالت از خصلت "کارگری کمونیستی" اعتصاب هفت

اطلاعیه های کمپین برای آزادی کارگران زندانی

اسماعیل بخشی کارگری که

حکومت شکنجه را به مصاف میگیرد

اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه طی نامه ای که در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده است، ضمن اشاره به شکنجه هایی که در زندان به او شده، علوی وزیر اطلاعات حکومت اسلامی را به مناظره فراخوانده است. اسماعیل بخشی در تاریخ ۲۷ آبان در اوج اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شد و به مدت ۲۵ روز در زندان بود.

او در این نامه همچون یک رهبر شایسته کارگری و بطور واقعی در قامت یک رهبر بزرگ و جسور جامعه ظاهر شده و سیستم زندان و شکنجه و ضد کارگری حاکم در ایران را زیر سوال کشیده و به مصاف گرفته است. متن نامه اسماعیل بخشی ضمیمه است.

بخشی در این نامه با بیان علنی ابعاد شکنجه و جنایاتی که در زندانها بر سر زندانی می آید سخن گفته و با این کار در واقع دارد اعلام میکند که با هیچ سطح از شکنجه و زندان نمی شود کارگری که خواسته ای دارد، مردمی که زیر فشار این زندگی جهنمی هر روزه دارند به تباهی کشیده میشوند، را خاموش کرد. در این نامه اسماعیل بخشی صدای کارگر، معلم، بازنشسته، دانشجو، کشاورز و مردم معترضی است که در دفاع از زندگی و معیشتشان هر روز بیشتر به کف خیابان آمده و فریاد میزنند "نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده ندارد." و خواستار زندگی ای انسانی هستند. نامه بخشی کیفرخواست کارگران و کل جامعه علیه شلاق، شکنجه و سرکوب حکومت اسلامی است.

نامه اسماعیل بخشی صدای اعتراض تک تک زندانیانی است که امروز در زندانهای رژیم اسلامی اسیرند. نامه اسماعیل بخشی کیفرخواست همه جامعه علیه امنیتی کردن مبارزات علیه زندان، شلاق و سرکوبگریهایش است.

نامه اسماعیل بخشی صدای اعتراض کارگران بازداشتی گروه ملی و علی نجاتی هاست. نامه اسماعیل بخشی صدای اعتراض معلمان زندانی، دانشجویان زندانی و مردم معترضی است که بخاطر دفاع از زندگی و معیشتشان و در دفاع از انسانیت جنگیده اند و سرخم نکرده اند.

از همین رو نامه اسماعیل بخشی پلاتفرم کارزاری است برای آزادی کارگران زندانی، معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی که باید آنرا بدست بگیریم و به خاطر چنین ابعادی از جنایات در زندانهای رژیم اسلامی جهان را روی سرمان بگذاریم. نامه اسماعیل بخشی در عین حال تأکیدی دیگر بر این واقعیت است که جمهوری اسلامی این رژیم سرکوب و جنایت باید از تمام نهادهای بین المللی از جمله سازمان جهانی کار اخراج شود.

کمپین برای آزادی کارگری زندانی، با تمام قوا تلاش میکند که با رسانه ای کردن وسیع این نامه

صدای بخشی و بخشی ها در سطح جهان باشد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از تمامی سازمانهای کارگری در سطح جهان انتظار دارد که به هر شکل که میتواند انزجار خود را نسبت به این بساط شکنجه، زندان و سرکوبگری های حکومت اسلامی اعلام کنند. بویژه انتظار دارد که به عنوان یک گام مهم در همبستگی با کارگران ایران به سازمان جهانی کار فشار بیاورند و خواستار اخراج رژیم اسلامی، این رژیم سرکوب و جنایت از این سازمان شوند. جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی به انزوا کشیده شود. این خواست کارگران و همه مردم ایران است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۴ ژانویه ۲۰۱۹، ۱۴ دی ۹۷

متن نامی اسماعیل بخشی به شرح زیر است:

جناب آقای علوی در ۲۵ روزی که ناعادلانه در بازداشت وزارت اطلاعات بودم مصائب و رنج هایی بر من تحمیل شد که هنوز از شر آنها خلاص نشدم و برای رهایی از آنها به داروهای اعصاب و روان پناه آورده ام، اما در این مدت دو پرسش اساسی مثل خره مغز مرا درگیر خود کرده است که پاسخ دهنده ی اصلی آنها فقط شخص شما می باشید و این حق بنده و ملت شریف ایران است که پاسخ این پرسش ها را بدانیم.

اول اینکه در روزهای اول بدون دلیل یا هیچ حرفی تا سر حد مرگ مرا شکنجه و زیر مشت و لگد گرفتند که تا ۷۲ ساعت در سلولم از جایم نمی توانستم تکان بخورم و آنقدر زده بودند که حتی از تاب درد خوابیدن هم برام زجرآور بود و امروز پس از گذشت تقریباً دو ماه از آن روز سخت در دنده های شکسته ام، کلیه ها، گوش چپ و بیضه هایم احساس درد می کنم.

جالب اینکه شکنجه گران خود را سرباز گمنام امام زمان می نامیدند اما به بنده و خانم قلیان انواع اقسام فحش های رکیک جنسی می دادند و ایشان راهم کتک می زدند اما از شکنجه ی جسمی بدتر، شکنجه های روانی بود، نمی دانم چه بر سرم آوردند که مثل موش آب کشیده شده بودم و هنوز دستهایم می لرزد، منی که زمین زیر پایم می لرزید تحقیر شدم و به شخصیت دیگری بدل شده بودم و هنوز با وجود قرص های اعصاب و روان گاهی دچار حمله های شدید عصبی روحی و روانی می شوم، اکنون از جناب عالی بعنوان وزیر اطلاعات و کسی که خودش یک روحانی مذهبی ست این پرسش را دارم: از نظر اخلاقی، حقوق بشری و بخصوص دین اسلام حکم شکنجه ی یک بازداشتی چیست؟ آیا رواست؟ اگر رواست به چه میزان؟

مسئله دوم که برای من و خانواده ام بسیار مهمتر از شکنجه های جسمی و روحی ست بحث «شنود» مکالمات تلفنی بنده و خانواده ام توسط دستگاه اطلاعاتی شماست، بازجوییم می گفت ما از همه چیز تو خبر داریم حتی می دانیم همسرت چند بار بخاطر مبارزات با تو دعوا کرده است گفتم از کجا می دانید گفت مدت ها تماس های تو «شنود» می شد که باعث عصبانیت شدید من حین بازجویی شد حال

پرسش بنده و خانواده ام از شما بعنوان وزیر اطلاعات و یک شخصیت روحانی و مذهبی این است که: آیا «شنود» خصوصی ترین مکالمات انسان ها از نظر اخلاقی، حقوق بشری و دین اسلام رواست؟ به چه حقی مکالمات تلفنی خصوصی بنده و همسر عزیزم را دستگاه اطلاعاتی شما باید «شنود» کند؟؟؟

لذا جناب آقای علوی اینجناب اسماعیل بخشی برای شنیدن پاسخ هایتان شما را به یک مناظره در یک برنامه زنده تلویزیونی دعوت می کنم.

اسماعیل بخشی

۱۴ دی ۹۷

اعلام همبستگی اتحادیه کارگران تولید اتریش با کارگران نیشکر هفت تپه

از: اتحادیه کارگران تولید در اتریش، PRE-GE به: کمپین برای آزادی کارگران زندانی، شهلا دانشفر

پیام همبستگی برای کمپین برای آزاد کردن کارگران زندانی در نیشکر هفت تپه در ایران

رفیق گرامی

ما توسط فدراسیونهای بین المللی کارگری در جریان مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه در ایران قرار گرفته ایم... از سوی اتحادیه تولیدی اتریش PRE-GE، که بیش از ۲۳۰۰۰ کارگر را در بخش های مختلف تولیدی و همچنین در صنعت قند و شکر نمایندگی میکند، شدیداً به سرکوب کارگران اعتصابی اعتراض داریم.

ما قاطعانه از مقامات ایران می خواهیم که فوراً کارگران دستگیر شده را آزاد کنند و نیروهای انتظامی را از محیطهای کار عقب بکشند و از تلاش بیشتر جهت سرکوب حقوق حقه کارگران نظیر حق اعتصاب، حق تشکیک و یا پیوستن به شوراهای کارگری که در کنوانسیونهای بین المللی تصریح شده، خودداری کنند.

بعلاوه ما خواستار پرداخت حقوقهای معوقه کارگران و بهبود شرایط کار آنها هستیم. ما همبستگی خود را با کارگران تحت ستم ایران اعلام میکنیم و خواستار احترام به حقوق انسانی و حقوق کارگران در ایران هستیم.

مطمئن باشید شما در مبارزه خود تنها نیستید، همکاران اتریشی شما پشت سر شما هستند و از شما حمایت می کنند.

تیت وایمر، دبیر کل

کادیا فریب، معاون دبیر کل اتحادیه

۱.۰. مارتینا شلر، دبیر بخش بین المللی

کمپین برای آزادی کارگران زندان

www.free-them-now.com

Shahla.daneshfar2@gmail.com

میثم علی قنوتی از کارگران زندانی گروه ملی صنعتی فولاد اهواز آزاد شد تمامی بازداشت شدگان باید آزاد شوند



ظهر امروز ۱۷ دیماه یکی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز به اسم میثم علی قنوتی از بازداشت آزاد شد. آزادی میثم علی قنوتی را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم. بدین ترتیب هم اکنون ۵ کارگر دیگر گروه ملی به اسامی طارق خلفی، محمدرضا نعمت پور، بهزاد علیخانی، کریم سیاحی و غریب حویزوی همچنان در بازداشت بسر میبرند. این کارگران از بیست و ششم آذر ماه بدنبال بیش از یکماه اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز بازداشت شده اند.

تمامی کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز باید فوراً آزاد شوند. پرونده های امنیتی بازداشت شدگان باید تماماً بسته شود و به پیگرد ها و امنیتی کردن مبارزات کارگران باید فوراً خاتمه داده شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۷ ژانویه ۲۰۱۹، ۱۷ دی ۹۷

علی نجاتی به توهین و دستبند

اعتراض میکند

زدن دستبند و پابند به زندان باید ممنوع شود

روز ۱۵ دیماه علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، از زندان شوش جهت بررسی وضعیت سلامتی اش به پزشکی قانونی اندیمشک منتقل گردید. در این انتقال مامورین امنیتی او را با دستبند و پابند به پزشکی قانونی بردند. این توهین آشکار موجب خشم علی نجاتی شده و در اعتراض به آن اعلام داشت که از این به بعد با این وضعیت در هیچ بیمارستان و درمانگاه و دادگاهی حاضر نخواهد شد.

به گزارش فرزانه زیلابی، وکیل کارگران هفت تپه در گفت و گو با "امتداد" شرایط محل بازداشت، وضعیت نجاتی را وخیم کرده است. علی نجاتی در تاریخ هشتم آذرماه در یک اقدام مشترک از سوی اجرای احکام کیفری شهرستان اندیمشک و ماموران امنیتی وزارت اطلاعات برای عناوین اتهامی جدید دستگیر شد. او هم اکنون در زندان دزفول نگه داشته میشود. ادامه بازداشت علی نجاتی با توجه به بیماریهای قلبی و کلیه

ای که دارد، برای او خطر جانی دارد. علی نجاتی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

زدن دستبند و پابند به زندانی يك شکنجه و توهین آشکار به همه کارگران و کل جامعه است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی، این عمل توهین آمیز را به شدت محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط علی نجاتی از زندان است. پرونده امنیتی تشکیل شده برای علی نجاتی، برای فعالین کارگری، معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی باید بسته شود. باید فوراً به امنیتی کردن مبارزات پایان داده شود. کارگران زندانی و تمامی زندانیان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۶ ژانویه ۲۰۱۹، ۱۶ دی ماه ۹۷

کیفرخواست اسماعیل بخشی و قد بر

افراشتن جنبش دادخواهی

اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه طی نامه ای از شکنجه هایی که بر او شده، از تحقیرها و توهین ها و شوندهای تلفن هایش در منزل و نقض پایه ای ترین حقوقش در زندان سخن میگوید. او با این نامه بطور واقعی کیفرخواست مردم را علیه سیستم زندان، شکنجه، اعدام و زیر پا گذاشته شدن حرمت انسانی و بی حقوقی ها اعلام کرده و با فراخواندن علوی وزیر اطلاعات حکومت اسلامی به مناظره، حکومت شکنجه را به مصاف گرفته است.

جنبش گسترده ای حول اعتراض اسماعیل بخشی براه افتاده است و این جنبش می رود که به حرکتی قدرتمند علیه ۴۰ سال سرکوب و جنایت تبدیل شود.

اسماعیل بخشی این نامه را در ۱۴ دیماه نوشته است و انعکاس وسیع اجتماعی اش آنچنان لرزه ای بر ارکان حکومت وارد کرده است که آنها را وادار به نشان دادن واکنش کرده است.. از جمله نمایندگان مجلس گرفته تا استاندار خوزستان و برخی امام جمعه ها و ستون نویسان برخی از روزنامه های جناحهای حکومتی اصولگرا و "اصلاح طلب" و شخصیت های بیرون و درون حاکمیت واکنش هایی از انکار شکنجه تا تردید و یا تایید های ضمنی از خود نشان داده اند.

برای مثال اژه ای جلال سخنگوی قوه قضاییه در عکس العمل به نامه اسماعیل بخشی با گفتن اینکه از دیگران شنیده است و خودش هم دیده است که نامه ای به وزیر اطلاعات داده شد، پاسخگویی را به این وزارتخانه و پیگیری آنان احاله داده است. علی اکبر گرجی اندرزیانی معاون پیگیری اجرای قانون اساسی روحانی نیز در صفحه اینستاگرامش در این رابطه واکنش نشان داده و میگوید: "بخشی باید در اسرع وقت شکایت کند. حشمت الله فلاحت پیشه، رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران از این خبر داده است که موضوع شکنجه اسماعیل بخشی در جلسه هجده دیماه در کمیسیون امنیت ملی بررسی می شود. استاندار خوزستان نیز با بیشرمی تمام

گفته های بخشی را تکذیب کرده و میگوید: "آنچه من مطلع شدم و سوال کردم این است که هیچ شکنجه ای درکار نبوده و رویه ما با این مسأله نیز به صورت اجتماعی و کارگری است و اگر چنین نبود که برخوردهای دیگری با وی صورت می گرفت. ایشان با پادرمیانی و وساطت من و رای اعضای شورای تأمین آزاد شده است. من در آنجا گفتم وقتی شرایط آرام شده و مسأله ای نیست، چرا باید ایشان همچنان در بند باشد و باید آزاد شود."

واکنشی دیگر از همین دست به نامه اسماعیل بخشی از جانب صادق زیبا کلام است. او چهره مدافع حفظ نظام جمهوری اسلامی است که در خلال اعتراضات سراسری زمستان ۹۶ اعلام کرد حتی اگر لازم باشد در دفاع از جمهوری اسلامی اسلحه هم بدست میگیرم. زیبا کلام با ارسال توییتی به نامه اسماعیل بخشی عکس العمل نشان داده و در آن از یک طرف در لباس حمایت از اسماعیل بخشی ظاهر میشود و از سویی ابزار شکنجه را برای مواردی مثل اینکه کسی برانداز باشد و یا برای تخلیه اطلاعاتی از مخالفین رژیم مشروع اعلام کرده است. این اظهارات دستپاچگی حکومتیان و وحشتشان از زلزله ای که با جنبش دادخواهی مردم بر پا شده است را به روشنی نشان میدهد.

توثیت صادق زیباکلام واکنش های اعتراضی زیادی در فضای مجازی برانگیخت. یک نمونه اش پاسخ رویا صغیری دانشجو و از دختران انقلاب در تبریز است که پس از تظاهرات سراسری دی ماه ۹۶ بازداشت شد. او در واکنش به گفته های زیبا کلام چنین مینویسد "تا امروز چیز زیادی از روزهای بازداشت و زندان نوشته ام؛ معتقدم آنچه بر من گذشته، درمقابل آنچه زنان و مردان نامشان با شرافت گره خورده، زیسته اند، هیچ نیست. و بعد از خواندن روایت اسماعیل بخشی از زندان و شکنجه و عواقب ادامه دار روحی و جسمی آن، مطمئن شده ام که همینطور است. اما مشاهده ی توییتی از زیباکلام استمرارطلب و مجوزی که برای شکنجه ی گروه هایی مشخص صادر کرده، به نوشتن وادارم کرد!". در ادامه رویا صغیری از شکنجه هایی که به او و خانواده اش وارد شده، لب به سخن میگوید.

نامه اسماعیل بخشی در قلب مردم نشسته و جنبش دادخواهی را با قدرت به جلو آورده است. این جنبشی است که با کارزارهایی چون "ما همه بخشی هستیم"، "من هم شکنجه شده ام"، قد علم کرده است. از جمله در همین مدت کوتاه بسیاری کسان قدم به جلو گذاشته و با شعار ما همه بخشی هستیم و یا شعار نه به شکنجه نه به زندان، دارند دادخواهی میکنند و خواستار پاسخگویی حکومتیان هستند. ضمن اینکه در این حرکت بخش های مختلف مردم با طومارهای اعتراضی و بیانیه های حمایتی شان، اسماعیل بخشی را در حلقه همبستگی و پشتیبانی خود قرار داده و از حکومت شکنجه و شلاق پاسخ می خواهند. همچنین این دادخواهی ها هم اکنون به موضوع داغ توییت و دیگر مدیای اجتماعی تبدیل شده است.

گوشه هایی از کارزار علیه شکنجه و سرکوب و در

حمایت از اسماعیل بخشی

- معصومه نعمتی، مادر آتنا دائمی طی نامه ای اعلام میکند: "من هم همراه با آقای اسماعیل بخشی خواهان پاسخ وزیر اطلاعات هستم که مامورانشان بر اساس چه قانونی من و دخترم را مورد ضرب و شتم قرار دادند؟"

مادر آتنا در نامه اش از شکنجه هایی که بر دخترش آتنا وارد شده و جریان دستگیری وحشیانه او و دستگیر خودش و دختر دیگرش هانیس سخن میگوید و طلب کیفرخواست میکند. آتنا دائمی مدافع حقوق کودک، حقوق زن و علیه اعدام است و از مهر ماه ۹۳ با اتهامات امنیتی و با ۷ سال حکم در بازداشت بسر میبرد.

- محمود صالحی از چهره های شناخته شده کارگری طی نامه ای تحت عنوان "خطاب به چند نفر از نمایندگان مجلس و علی اکبر گرجی از ندریانی" از دوران بازداشت خود از زندان اطلاعات سنج و از دست دادن کلیه هایش به خاطر قطع داروهایش برای مدتی ۹۳ ساعت، سخن می گوید. او در پاسخ به عکس العمل تعدادی از نمایندگان مجلس اسلامی و معاون ارتباطات مبنی بر پیگیری اجرای احکام قانون اساسی و گفتن اینکه اسماعیل بخشی می تواند از طریق شکایت به "مراجع صالحه" مورد شکنجه را پیگیری کند، اولین سوالش اینست "آقایان محترم به نظر شماها مراجع صالحه در کشور ما کدام ها هستند؟" و در آخر تاکید کرده و مینویسد: "ما کسانی که مکرراً زندان و بازداشت را لمس کرده ایم، این موضوع را به خوبی می دانیم. شما ها نیز با این اظهارات احساسی نمی توانید ما را از راهی که همان علنی کردن برخورد های غیر انسانی مسئولان امنیتی در زمان بازداشت علیه زندانیان صورت می گیرد باز بدارید. شما ها فکر می کنید شکنجه تنها شکنجه فیزیکی است؟! آقایان محترم ده ها نوع شکنجه سفید در بازداشتگاه های مخوف اداره اطلاعات وجود دارد که شما حتی نمی توانید یک مورد آن را تحمل کنید. "محمود صالحی در نامه اش از همه افراد زندانی، بخصوص کارگران تقاضا میکند که خاطرات بازداشت و برخورد های مسئولان امنیتی را مکتوب و و در اختیار جامعه قرار دهند.

- شورای بازنشستگان ایران طی بیانیه ای اقدام اسماعیل بخشی و نامه او به وزیر اطلاعات و فراخوان وی به مناظره را مورد پشتیبانی قرار داده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "این فقط یک نامه ای اداری و درخواستی نیست، یک مطالبه است. یک کیفرخواست است. یک نامه ی تاریخی است. و مردم به عنوان صالح ترین قاضی تاریخ، این نامه را پیش رویشان دارند و قضاوت خواهند کرد."

- بعد از انتشار نامه اسماعیل بخشی، زیر هشتگی با عنوان من هم شکنجه شدم برخی موارد اعمال شکنجه در زندان ها از سوی شکنجه شدگان مطرح شده است. از جمله شیما بابایی از دختران خیابان انقلاب در پستی در اینستاگرام صدای اعتراضش را به شکنجه و سرکوب بلند میکنند. او در

بخشی از این نوشته با طرح این سوال که آیا جمهوری اسلامی می تواند پاسخگوی شکنجه هایی باشد که به ناحق در تمام این سالها در زندان هایش اتفاق افتاد، مینویسد: "دلیل برهنه کردن زندانی سیاسی چیست؟ من دختری که در سن ۲۱ و ۲۳ سالگی در بازجویی های سپاه ثارالله و وزارت اطلاعات مدام تحت شکنجه روحی قرار گرفتم مگر چه کرده بودم که مستحق چنین رفتاری بودم؟ نه به خاطر فریب دشمن باعث مرگ بیش از ۷ هزار نفر از هم وطنانم شده بودم و نه پول مردم را به جیب زده در خارج از ایران مشغول عیاشی بودم."

- مجید توکلی، فعال دانشجویی سابق، که از آذرماه سال ۸۸ در زندان بود یکی دیگر از کسانی است که در رشته توییتی تجربه های شخصی اش از شکنجه در بازداشتگاهها را منتشر کرده است.

- جمعی از وکلای دادگستری ایران طی نامه ای سرگشاده به روحانی در مورد ضرورت رسیدگی به موضوع شکنجه اسماعیل بخشی نامه ای داده اند. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "سالیان سال است که شکنجه ایران و ایرانیان را رنج می دهد و بصورت سیستماتیک در نهادهای خاص امنیتی و اطلاعاتی متهمین و ملت ایران را آزار می دهد و قوه قضاییه نه تنها نظار گر و ساکت بوده بلکه همگام و همراه آنان بوده است و با انکار و تکذیب نمی تواند پاسخگوی تاریخ و ملت ایران بود."

جنبش دادخواهی، جنبش علیه زندان و شکنجه با قدرت به جلو میروند. در جلوی صف این جنبش اسماعیل بخشی حرکت میکند باید از او وسیعاً حمایت کرد و به این جنبش پیوست.

نامه اسماعیل بخشی صدای اعتراض تک تک زندانیانی است که امروز در زندانهای رژیم اسلامی اسیرند. نامه اسماعیل بخشی از جمله کیفرخواست معلمان زندانی، دانشجویان زندانی و مردم معترضی است که بخاطر دفاع از زندگی و معیشتشان و در دفاع از انسانیت جنگیده اند و سرخم نکرده اند. نامه اسماعیل بخشی صدای اعتراض کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز و کسانی چون علی نجاتی، بهنام ابراهیم زاده، اسماعیل عبدی، محمد بهشتی و محمود بهشتی هاست.

این نامه اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات و علیه زندان، شلاق و کل بساط سرکوب و جنایت سرمایه داری حاکم است. وسیعاً به جنبش نه به زندان و شکنجه، "ما همه بخشی هستیم" بپیوندیم.

شهلا دانشفر

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۷ دی ۹۷

من هم شکنجه شدم، ما همه اسماعیل بخشی هستیم

سرور همسر یک کارگر زندانی، در همبستگی با کارزار من هم شکنجه شدم، به کمپین برای آزادی کارگران زندانی نامه ای تحت عنوان من هم شکنجه شدم، ما همه اسماعیل بخشی هستیم، ارسال کرده است.

متن نامه همراه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۹ ژانویه ۲۰۱۹

"من هم شکنجه شدم. بعنوان خانواده زندانیان سیاسی شکنجه شدم. پدرم از زندانیان سیاسی زمان شاه بود و در سالهای ۶۴ و ۶۵ توسط جمهوری اسلامی نیز بازداشت و زندانی شد. در این ایام نیز همسرم که کارگری است که از حق و حقوقش دفاع کرده است مثل کارگر هفت تپه، مثل کارگر هیکو و صد جای دیگر را زندانش کردند و گفتند در "نظم و امنیت ملی اخلاص کرده ای". این کدام نظم است که بخاطرش کارگر را زندانی میکنند. معلم را زندانی میکنند. مردمی که دردی دارند را دستگیر میکنند. این اصلاً ربطی به امنیت ما کارگران و ما مردم ندارد. این اخلاص در نظم و امنیت سرمایه داران مفتخور است که بخاطرش ما را که اعتراضی به این بردگی داریم، دستگیر و زندانی میکنند. احکام وحشیانه و شلاق برایمان صادر میکنند. زیر شکنجه مان قرار میدهند که مبادا تکثیر شویم. تا مبادا بساطشان را جمع کنیم.

فراموش نمیکنم که در سال ۹۴ کودکی بیش نبودم و فقط ۵ سال داشتم که پدرم بخاطر مبارزاتش در دفاع از انسانیت در زندان بود. وقتی با مادرم به دیدار میرفتیم، پدرم را با دستبند می آوردند و من با دیدن این صحنه بسیار غمگین میشدم که پدرم را دست بسته میدیدم و از مادر می پرسیدم چرا آن آقا همیشه همراه پدر من است. مادرم برای اینکه اوضاع را عادی جلوه دهد میگفت او دوست پدر است. من هم در سکوت دردناکم فرو میرفتم و دلتنگی ندیدن پدر رنج میداد. در هر حال مبارزه برای یک زندگی بهتر بخشی از زندگی ما کارگران است. همسرم یک کارگر معترض است و من هم همراهش هستم. او همین امسال چندین بار بازداشت شد و من درد و دلتنگی فرزندانم را لمس میکردم. چون با تمام وجود تجربه کرده ام که چگونه خانواده همراه با زندانی شکنجه میشود. ضمن اینکه دیدن آثار شکنجه بر بدن همسر دلم را به درد می آورد. نه به شکنجه، نه به زندان، من هم اسماعیل بخشی هستم.

سرور همسر یک کارگر معترض زندانی

من هم شکنجه شدم

کیفرخواست کارگران اعتصابی پرسی سنج

بدنیال نامه اسماعیل بخشی و کیفرخواست او علیه

شکنجه، جنبش علیه شکنجه به راه افتاده است.

کمپینی با هشتک # من هم شکنجه شدم. این بار

کارگران اعتصابی پرسی سنج زیر این هشتک سخن

میگویند و بساط سرکوب و شکنجه و زندان را به

چالش میکشند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۹ دی ۹۷

بگذار سخن بگویم! از عمیق ترین دردها برجسم و روحم! جنبش ME TOO در ایران، کمپین نه به تجاوز!

عضویت در حزب کمونیست کارگری پریش از منصور حکمت

بداند از نظر ما عضو حزب هست و همه حقوق عضو حزب را از هم اکنون دارد. درک ما از عضویت بسیار با تلقی سکتی چپ ملی- خلقی فرق دارد و چه بسا از نظر این جریانات "لیبرالی" محسوب میشود. اما این تنها برداشت اصولی از عضویت برای حزب کمونیستی است که قصد جاخوش کردن در حاشیه جامعه را ندارد و تغییر جهان را کار خود ساکنان جهان میدانند. ما مدام هر کسی را که خود را در اهداف و مبارزه حزب سهیم و شریک میدانند دعوت میکنیم به حزب ما بپیوندند. برای پیروزی باید خیلی زیادتر باشیم.

این تلقی و این سیاست نه فقط با حفظ کاراکتر مارکسیستی و انقلابی حزب تناقض ندارد بلکه شرط واقعی تحقق آن است. تنها این سیاست اجازه میدهد که در حزب به روی کارگری که نان آور خانواده اش است باز بماند. حزبی که کارگر نتواند به آن بپیوندد نمیتواند حزبی کمونیستی باشد. تنها این سیاست به کسی که سوسیالیسم و آزادی و مساوات را با درکی هر قدر کلی و غریزی گرامی میدارد امکان میدهد به یک حزب مارکسیستی بپیوندد و به کمک حزب و همراه حزب رشد کند. استحکام سیاسی و نظری هیچ حزبی را قرار نیست اعضای تازه وارد آن تضمین و پاسداری کنند. سنت سیاسی ای که حزب در آن قرار دارد، افقی که جلوی حزب قرار میگیرد، بنیادهای فکری یک حزب که در متن تلافی های فکری و سیاسی جلی تعریف و تحکیم میشود، و ستون فقرات کادری مارکسیستی حزب، اینها عوامل تعیین کننده خصلت حزب است. اگر فردا همه اعضا و فعالین سازمانهای چپ به ما بپیوندند، که یک امید و آرزوی واقعی ماست، حزب کمونیست کارگری به رنگ دیگری درنماید، بلکه فقط گنجینه جلدی از تجربه و توان بدست میآورد که مبارزه برای افق و سیاستهای موجود حزب را به همان درجه تقویت و تسهیل میکند.

ایسکرا شماره ۷، ۲۲ خرداد ۱۳۷۷
- ۱۲ ژوئن ۱۹۹۸

شما میگویید عضو شدن در حزب کمونیست کارگری ساده است. شرایط عضویت در حزب چیست و آیا عدم سختگیری در عضوگیری حزب را از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیکی رقیق و ضعیف نمیکند؟

منصور حکمت: عضویت در حزب کمونیست کارگری برآستی ساده است. هر کس خود به این نتیجه رسیده باشد که با اهداف حزب کمونیست کارگری ایران موافق است و میخواهد با این حزب کار کند میتواند عضو حزب بشود. برای عضو ماندن در حزب باید فرد حق عضویت خود را منظم پرداخت کند و در حیطة وقت و توان خود و انتخاب خود در فعالیتهای حزب شرکت کند. در این حزب قبول وظایف داوطلبانه است، کسی را به کاری وانمیدارند، از کسی امتحان ایدئولوژی و غیرت و وفاداری و انقلابیگری و از جان گذشتگی نمیگیرند، به سابقه سیاسی و تعلق سازمانی قبلی اش کاری ندارند، اعمال محیرالعقول و وظایفی که با زندگی و مسئولیتها و تعهدات فرد در جامعه و خانواده تناقض داشته باشد به عهداش نمیگذارند. سنوات عضویت کسی مایه امتیاز در تشکیلات نیست. فرض ما اینست که حزبی که میخواهد صدها هزار عضو داشته باشد، باید تلقی ای از عضویت داشته باشد که بر طبق آن انسانهای واقعی در همان متن زندگی واقعی و با همه تعهدات و مسئولیتهای شغلی و خانوادگی و اجتماعی شان بتوانند عضو حزب بشوند. با عضویت در حزب کمونیست کارگری کسی از متن زندگی کنده نمیشود و قرار نیست خرقة انقلاب تن کند و ترک دیار و خانواده و دنیا و مافیها کند. تلقی ما از عضویت افراد در حزب بسیار به تلقی احزاب سیاسی بزرگ در اروپای غربی نزدیک است. در خود ایران، که تماس رسمی با حزب برای کارگران دشوار است و ریسک امنیتی دارد، ما حتی اعلام کرده ایم که هر کارگری که خود را عضو حزب

اسلامی و نماینده ملکان در مجلس این حکومت قرار گرفت و سرانجام او را کشتند.

بگذار با پیگیری این پرونده و با دامن زدن به یک جنبش حرف زدن و بررسی و کنکاش در مورد تجاوز و با شعار نه به تجاوز، در عین حال به جنبشی بپیوندم که اکنون در ایران بر پا است جنبش علیه شکنجه! تجاوز مصداق بارز شکنجه است و حکومت در ایران، حکومت متجاوزین و مدافعین تجاوز به زنان و کودکان است.

بگذار با این کمپین یاد ریحانه جباری ها را گرامی بداریم که علیه تجاوز تسبیح به داستان اسلامی ایستاد و در نهایت حکومت تجاوزگران، او را اعدام کرد. زنان آزاده ایران بیاید دست به دست هم دهیم و این زخم عمیق را باز کرده و برای مداوای آن فکری بکنیم.

مینا احلی

۲۱ دی ماه ۱۳۹۷ ۱۱ ژانویه
۲۰۱۹

خواسته اید طلاق بگیرید و کار شما دست يك آخوند و یا مقام دولتی بوده، از آنها با وقاحت شنیده اید، در صورتی کارت را راه می اندازم که با من رابطه داشته باشی، این فراخوانی است به دختران جوانی که در دانشگاهها از طرف مسئولین حکومتی و دست اندرکاران مورد تعرض جنسی قرار گرفته اند، این فراخوانی است به زنانی که بر خلاف میل خود با همسر و یا پارتنر خود، همبستر شده اند و تجاوز در چهارچوب خانواده اتفاق افتاده است.. این فراخوانی است برای قی کردن، هزاران درد و زخم ناشی از تجاوز در زوایای پنهان آن جامعه.

بگذار سخن بگویم. با اعتماد بنفس و با متانت در مورد یکی از مهمترین مشکلات زنان در آن جامعه، این فراخوانی است برای گرامیداشت یاد زهرا نوید پور که شجاعانه علیه تجاوز افشاگری کرد و جانش را در این راه از دست داد. زهرا مورد تجاوز سلمان خدادادی، مسئول امور اجتماعی مجلس

در اروپا و امریکا و در غرب اگر سخنی از جنبش می توو ME TOO هست، برای مقابله با تعرض و تجاوز جنسی در محیط کار و خیابان و یا در خانواده است، در ایران اگر از می تو حرف بزنیم در مورد يك موضوع بسیار فراتر از اینها حرف میزنیم. ما در مورد کشوری حرف میزنیم که تجاوز جزو قوانین آن کشور است.

از ازدواج کودکان تا ازدواج اجباری، از قانون نفقه بگیر و تمکین کن، تا نگاه و نگرشی که به زن بعنوان يك وسیله جنسی نگاه میکند و تجاوز و دست درازی و آزار جنسی زنان را حق خود میدانند.

ما در مورد میلیونها نفر حرف میزنیم که قربانی تعرض، بی حرمتی جنسیتی و تجاوز شده اند و هیچگاه نتوانسته اند حرفهایشان را به کسی بگویند.

این يك فراخوان به شما زنان در ایران است، به شما که بارها و بارها، وقتی برای يك کار اداری به ادارات دولتی مراجعه کرده اید، وقتی

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

حکومت اسلامی آشکارا مستاصل است و در بحران لاعلاج دست و پا میزند. توان کنترل جامعه به شکل سابق را ندارد. مردم نیز نشان داده اند که تحمل این شرایط را ندارند. باید مبارزات مان را سازمان یافته و سراسری کنیم. يك ابزار مهم هدایت و سازماندهی مبارزات در این شرایط، شوراهای سازماندهی اعتراضات است. شوراهای سازماندهی میتوانند در همه محلات و شهرها ایجاد شوند و اعتراضات مردم را رهبری کنند، مردم را حول خواست های سیاسی و رفاهی و حول خواست های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه متحد نگهدارند و نقش رهبری میدانی مردم را بعهده بگیرند. اکنون وقت سازماندهی اعتراضات شهری در سراسر کشور است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری و جوانان معترض را فرامیخواند در هر شهر و محلی که میتوانند، شوراهای سازماندهی اعتراضات را ایجاد کنند، جوانان و مردم معترض و پرشور را در این شوراهای جمع کنند و با استفاده از روابط و امکانات خود و با استفاده از مدیای اجتماعی حلقه تماس خود با مردم شهر را گسترش دهند.

زنده باد شورای سازماندهی اعتراضات در سراسر کشور

تیر ۱۳۹۷

ما هم شکنجه شدیم

ما کارگران اعتصابی پریس سنندج دسته جمعی مورد ضرب و شتم و آزار قرار گرفتیم.

ساعت یک بعدازظهر روز چهارشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۸۵، سه دستگاه اتوبوس و صدها نفر از نیروهای یگان ویژه و لباس شخصی، با تجهیزات ضد شورش تمام محوطه اعتصاب (چادر اعتصاب) را به محاصره خود در آوردند و کارگران اعتصابی پریس را ضرب و شتم کردند.

در روزهای بعد و به دنبال انعکاس خبر سرکوب کارگران پریس سنندج، در داخل و خارج از کشور و محکومیت آن از سوی مجامع کارگری، فرمانده نیروی انتظامی کردستان منکر برخورد خشونت آمیز با کارگران شد. رئیس اداره کار سنندج هم در مصاحبه ای با روزنامه محلی "سیروان"، مدعی شد که سرکوب کارگران شایعه ای بوده که توسط یکی از نمایندگان کارگران انتشار یافته است.

نهاد کودکان مقدمند

محمد حسین زاده فعال حقوق کودکان باید

فورا آزاد شود

بازداشت فعالین دفاع از حقوق کودکان

محکوم است!



بازهم يك فعال مدافع حقوق کودکان به جرم سوادآموزی به کودکان کار و خیابان دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل گردید!

بنا به اطلاعات منتشر شده در شبکه های اجتماعی، محمد حسین زاده دانش آموخته مهندسی برق از دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ساکن شهر کرج، از فعالین دفتر جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، در تاریخ ۱۷ دی ماه حوالی ساعت ۷ شب در خیابان انقلاب تهران، توسط نیروهای لباس شخصی بازداشت گردیده است. مأمورین امنیتی ساعت ها تا پاسی از شب، منزل محمد حسین را مورد تفتیش و بازرسی قرار

دادند. سپس بدون هیچ توضیح و مدرکی، وی را مقابل چشمان مضطرب پدر و مادرش، با خود به مکانی نامعلومی منتقل کردند.

جمهوری اسلامی با امنیتی کردن فعالیت اجتماعی، با پلمب کردن دفتر جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و احضار و بازداشت فعالین دفاع از حق کودکان، کارنامه کودک ستیزی خود را سنگین تر می کند!

دوره توسل به رعب و وحشت گذشته است! اعتراض به فلاکت اجتماعی تحمیلی جمهوری اسلامی در کل جامعه موج می زند. جنبش وسیعی در جامعه برای متوقف کردن و پایان دادن به کار حرفه ای کودکان به حرکت در آمده است. مردم بخوبی مسببین بی پناهی و فلاکت کودکان را می شناسند.

در حالیکه میلیونها کودک از ادامه تحصیل بازمانده اند و بعنوان کارگران خردسال به بازار بیرحم کار پرتاب شده اند، ده ها فعال مدافع حقوق کودکان به جرم حمایت و دفاع از کودکان کار و خیابان تحت بازجویی و احضار و یا در بازداشت بسر می برند و در زندانها در بدترین شرایط، محبوس هستند.

نهاد کودکان مقدمند رفتار امنیتی با فعالین دفاع از حقوق کودکان را شدیداً محکوم می کند و خواهان آزادی کلیه فعالین و مدافعین حقوق کودک است. ما موضوع بازداشت محمد حسین زاده را به مجامع بین المللی ارجاع خواهیم داد.

اعلام می کنیم؛ جای فعالین و مدافعین حقوق کودک در زندان نیست! دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان محمد حسین زاده است.

نهاد کودکان مقدمند

۱۸ دی ماه ۱۳۹۷ - ۸ ژانویه ۲۰۱۹

شورای مرکزی اکس مسلم

تظاهرات در مرکز شهر کلن در آلمان

علیه روز جهانی دفاع از حجاب



این میتینگی است در چهارچوب اعتراضاتی که در دنیا علیه روز جهانی حجاب سازمان می دهیم، روزی که به پیشنهاد يك زن محجبه در امریکا، بعنوان روز

احترام به حجاب و همبستگی با حجاب فراخوان داده شده است.

ما در مرکز شهر کلن تجمع میکنیم و با صدای بلند میگوییم تحمیل حجاب به زنان زن ستیزی مطلق است و باید در همه جا ممنوع شود!

از همگان دعوت میکنیم در هر جایی که هستند، روز اول و یا دوم فوریه به خیابان رفته و با انجام اکسیون و یا اقدامات ابتکاری دیگر، از آتش زدن حجاب و یا تهیه ویدئو کلیپ بر علیه حجاب به این حرکت گسترده بین المللی بپیوندند!

شنبه ۲ فوریه ۲۰۱۹

در مرکز شهر کلن دم پلاته از ساعت ۱۴

سخنرانان از کشورهای مختلف در میتینگ خواهند بود و از تجارب خود در مبارزه با حجاب خواهند گفت! شورای مرکزی اکس مسلم

مقابله با روز جهانی حجاب

وظیفه همه ما است!

از سال ۲۰۱۳ به فراخوان نظمه خان متولد بنگلادش که از ۱۱ سالگی در نیویورک ساکن است، اول فوریه به عنوان روز جهانی حجاب اعلام شده و سازمانهای اسلامی و حکومتیهای اسلامی و همچنین زنان محجبه از کشورهای اسلام زده سعی میکنند با سازمان دادن میتینگ و مراسم و یا برنامه هایی زنان را تشویق به رعایت حجاب در این روز کرده و از این طریق به اصطلاح همبستگی بین المللی با پدیده حجاب را دامن بزنند.

در بخش هایی از این کره خاکی، نیمه جامعه را مجبور میکنند، خود را مخفی کند، زیر چادر و پارچه سیاهی که تجسم بی حقوقی و زندانی بودن این میلیونها نفر است. حجاب سمبل، به هیچ انگاشتن زنان و تحقیر و بی حقوقی آنان است. حجاب بیانگر قانون الهی فتنه گر بودن زنان است که برای کنترل جامعه و کنترل مردان، زنان را مجبور میکنند تا ابد خود را بپوشانند. اما از چهل سال قبل با قدرت گرفتن جنبش اسلامی، حجاب به زور سرنیزه و زندان و شلاق و اسید و سنگسار به نیمه جامعه تحمیل میشود و اساساً وسیله ای است بریا به تمکین کشاندن کل جامعه! و اگر امروز در نیویورک و لندن و برلین حتی بر تن دخترچه های سه ساله هم حجاب تحمیل میکنند، بدلیل وجود جنبش اسلامی است.

خجالت آور است که کسانی در کشورهای غربی پیدا میشوند که با این پروژه دولت های ضد زن عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران همراهی میکنند و به اصطلاح برای دفاع از زنان تحت ستم در کشورهای اسلام زده حجاب به تن میکنند و به حجاب که سمبل اسلام سیاسی، سمبل داعش و طالبان و جمهوری

در حمایت از کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه شکنجه و زندان پرچم اعتراضی "من هم شکنجه شدم" و "ما همه اسماعیل بخشی هستیم" را برافرازیم!

سیاسی و همه فعالان اعتراضات اجتماعی است. تأکیدی بر این واقعیت است که جمهوری اسلامی حکومت سرکوب و جنایت سازمان یافته است. تأکید مستقیم بر این است که همه نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان جهانی کار می‌بایست جمهوری اسلامی را به همین جرم اخراج کنند!

دوره قدری جمهوری اسلامی به پایان رسیده است. قدرت اعتراضی مبارزات جاری، امنیتی کردن مبارزات و خواست‌های کارگران را متوقف خواهد کرد و به پرونده سازی و پاپوش دوزی دستگاه‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی هم خاتمه خواهد داد. ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، برپایی اعتصاب و اجتماع و تظاهرات حق پایه‌ای مردم است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از اقدام جسورانه اسماعیل بخشی پشتیبانی می‌کند و از تمام تشکلهای کارگری، معلمین و مردم آزادیخواه و انساندوست می‌خواهد یکپارچه از این کیفرخواست با پیوستن به کارزار "من هم شکنجه شدم" و "ما همه اسماعیل بخشی هستیم"، دفاع کنند. این عرصه‌ای تاریخ ساز در اعتراضات مردم برای به‌زیر کشیدن حکومت اسلامی است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۴ دی‌ماه ۱۳۹۷

۴ ژانویه ۲۰۱۸

اسماعیل بخشی نماینده شجاع، جسور و محبوب کارگران نیشکر هفتپه با انتشار نامه سرگشاده‌ای، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی را به مناظره تلویزیونی فراخواند. افکار عمومی جهان او را به دلیل رهبری شجاعانه و پایداری و دفاع از حقوق کارگران هفتپه بخوبی می‌شناسد. می‌داند که چرا او و دیگر رهبران اعتراضی را دستگیر و در زندان شدیداً شکنجه کرده‌اند! اسماعیل بخشی شکنجه‌های اعمال شده نسبت به خود و همه فعالان اجتماعی را به پرچم اعتراضی چالش دستگاه سرکوب و زندان و شکنجه جمهوری اسلامی بدل کرده است.

اینک اسماعیل بخشی صدای اعتراض بیشمار زندانیانی است که در زندانها و سیاهچالهای حکومت اسلامی، وحشیانه شکنجه و با پرونده سازی و پاپوش دوزی در دادگاههای فرمایشی با اعلام امنیتی کردن با زندان و شلاق سرکوب شده‌اند.

این کیفرخواست یک پیشروی عظیم در جدال کارگران، معلمان و دانشجویان و مردم معترضی است که باخاطر دفاع از زندگی و معیشتشان و در دفاع از انسانیت جنگیده‌اند!

دستگیری و شکنجه و زندان ابزار همیشگی رژیم اسلامی در سرکوب حق طلبی جامعه بوده است. اسماعیل بخشی پرچم اعتراض به شکنجه و زندان را برافراشته است. نامه سرگشاده اسماعیل بخشی، پلاتفرم کارزاری سراسری برای آزادی تمامی زندانیان



اسلامی و شیوخ عربستان است مشروعیت می‌دهند. خجالت آور است در حالیکه در ایران و عربستان تحت حکومت های اسلامی، میلیون ها زن، حجاب این لکه ننگ تاریخی را پس میزنند و شجاعانه علیه کل اسلام و جنبش اسلامی به میدان میایند، کسانی در کشورهای غربی به یک حرکت فوق ارتجاعی دیگر میپیوندند تا به اصطلاح علیه راسیسم موضع بگیرند. انگار نمیشود همزمان علیه هر دو حرکت ارتجاعی و ضد انسانی ایستاد و از انسانیت، از برابری زن و مرد، از آزادی پوشش و از حقوق زن دفاع کرد. برای مقابله با راسیسم و جریانات دست راستی اتفاقاً باید از حقوق و حرمت انسانی زنان و از فرهنگ پیشرو و آزادی در انتخاب پوشش و امکان دخالت در زندگی اجتماعی و جهانشمولی حقوق انسانی دفاع کرد و نه از ارتجاع اسلامی و حجاب و زن ستیزی و بردگی زنان!

ما در نظر داریم که در روز اول فوریه در همه جا بپاخاسته و با دفاع از جنبش دختران خیابان انقلاب در ایران و دفاع از حرکت زنان در عربستان سعودی که با هشتگ «حجاب زیر پای من» علیه حجاب و بیحقوقی و علیه جنبش اسلام سیاسی به میدان آمده اند و در دفاع از مبارزات میلیونها زن در کشورهای اسلام زده، به مقابله با این حرکت ارتجاعی برخیزیم. می‌خواهیم با سازمان دادن میتینگ و حرکات اعتراضی نشان دهیم که جنبش علیه حجاب این سمبل بردگی زنان، یک جنبش جهانی است و همگان باید با پیوستن به ما، از مدرنیته و حقوق انسانی زنان دفاع کنند. می‌خواهیم با این جنبش اعتراضی به سازمانها و حکومتهای اسلامی و طرفداران نسبیت فرهنگی و مدافعین شرمگین تحمیل حجاب و سنگسار و زن ستیزی اسلامی نشان دهیم که دنیا عوض شده است و حجاب اسلامی و اجباری با موجی از اعتراض در کشورهای اسلام زده و در دنیا روبرو است. به این حرکت جهانی بپیوندید!

زنان آزاده ایران، دختران خیابان انقلاب در ایران و عربستان سعودی و افغانستان و عراق و سودان و در همه جا، بپا خیزید و علیه حجاب این سمبل بی حقوقی زنان، با انجام میتینگ و حرکات اعتراضی مختلف، به همین تعداد فمینیست مدافع حجاب نشان دهید که باید از حقوق انسانی شما دفاع کنند و در کنار حجاب اسلامی و قوانین ضد زن و ارتجاع اسلامی نایستند.

شورای مرکزی اکس مسلم

۵ ژانویه ۲۰۱۸ / ۱۵ دی ماه ۱۳۹۷



کارگر، معلم
دانشجو،
درد ما
درد شماست
اتحاد چاره
ماست!